

قیام امام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

از کان مرکزی بصفت مشاور ملی ایران

در حاشیه پیام دکتر شاپور بختیار

هادی یزاد

در حاشیه کتاب رابرت هایزر

سیاست بین المللی

و اراده ملت ایران

مأموریت در تهران

رسیده و این سوی کتاب های بسیاری است که در هر یک، فصل یا فصل های بی شماری " انقلاب ایران " اختصاص یافته است. در جمع نویسندگان کتاب ها، از زور سالی کشورها و دولت مردان عالی رتبه تا مفسران طراز اول، کارشناسان موسسه های تحقیقاتی استراتژیک، استادان دانشگاه و متخصصین برجسته در مسائل خاورمیانه و ایران و حتی ماء موران اطلاعاتی و امنیتی و خلاصه از تمام قشرهای سیاست پیشه یک یا چند چهره را می توان یافت، ولی حقا " باید گفت که کتاب ژنرال رابرت هایزر، معاون پیشین فرماندهی نیروهای (نا تو) و امیر فعلی باز نشسته ارتش ایالات متحده، گرچه بشرح جوادت زبان تریبی از آن روزهای طوفانی تعلق گرفته است برسانا ترها می باشد رجحان دارد و دلیل عمده اش این است که نویسنده نه در مقام ناظری که از کتا رصحنه نگاه می کند و یا تحلیل گری که ناچار است مملوفا ت خود را از اطلاعات این و آن بدست آورده و نه حتی در موضوع شخصی که بنا بر تمام دغدگیان واقعه ای قرار می گیرد، بلکه بعنوان یک مأمور برجسته که موظف است بر جریان حوادث اثر بگذارد، به نقل مشاهدات و روایات نشست است که مسلما " بسودن آگاهی از آن ها، هرگونه تحقیق در عمل فاجعه ای که ایران و منطقه را به آتش کشیده است، ناقص می ماند.

در تحلیل فاجعه ۵۷ (۱۹۷۹) - گذشته از مقاله ها و رساله های بیشمار، تاکنون بین ۲۵ تا ۳۰ اثر مستقل بقلم نویسندگان خارجی و عمدتا " امریکایی به بازا رکتاب

اما آنچه شگفتی دارد، این است که نگاه خوشبایران و ساده اندیشانی چند، در دام این نیرنگ می افتند. بقیه در صفحه ۳

رژیم تهران برای بیسرون آمدن از بن بست که در آن افتاده، تلاش مرکبای را آغاز کرده است. هدف او نجات خویش است، اما دست و پا زدنهای او به جای آنکه به نجاتش بینجامد، کشور را به سوی نیستی می کشاند.

امروز اوضاع بین المللی، چنان که آشکارا می بینیم، آشفته تر از آن است که دستی از گوشه کشور برای نجات رژیم در سرزمینی دیگر برآید و کاری از پیشش ببرد. با اینکه رژیم تهران، که هنوز هم خود را بیگانه ستیزترین حکومت های جهان نشان می دهد، در عین حال می خواهد چنین وانمود کند که بیگانگان همگی - از کوچک و بزرگ - بوزش غفلت های گذشته او را می خواهند دست یاری و دوستی به سوی او دراز کرده اند.

ولی چون نیک بینگری، تصویر درست عکس این است، این رژیم تهران است که در تلاش عبث برای نجات خویش - چه از گرداب جنگ و چه از گرداب بحران اقتصادی - به دست و پا افتاده، این در آن درمی زند و در یوزگی می کند. رفسنجانی برای بدست آوردن اسلحه آمریکا که در زمان شاه خریده شده بود، فقط گریه نکرد، وی در سخنرانی نماز جمعه ای رویه آمریکا گفت: اسلحه دارد در انبارهای شما زنگار می خورد، پولش را هم که گرفته اید، پس چرا آن را تحویل نمی دهید؟

با وجود این، به ازاء خرید محموله ای چند، جمهوری اسلامی دلارهای تازه نفتی به حسابی در بانکی سوئیسی ریخت و هیچ به روی خود دنیا ورد که پول سلاحها در گذشته پرداخته شده بود.

بدیهی است که دولت های جهان می خواهند از داغترین و بیرونق ترین بازار اسلحه ای که جنگ جمهوری اسلامی با عراق بوجود آورده است، سهمی هر چه بیشتر داشته باشند، و شگفتی نداشت که جمهوری اسلامی درصداست این گرمی با زار اسلحه را چنان جلوه دهد که گوئی با زار سیاسی خود او به تا زگی گرم شده است.

حکومت شیطانی

و حکومت رحمانی!

حسینعلی مشکان

از روحانیون ساخته نیست.

مرحوم باکروان، نظریه تربیت خاصی داشت تصور می کرد هر آخوندی ابساذر غفاری و شیخ مرتضی انصاری است. نمی دانست آخوندهایی هم پیدا می شوند که در دغلکاری و دروغوگی شیطان را درس می دهند و وقتی وارد گود سیاست شدند تا زده معنی دغل و دروغ را بدنیایا خواهند فهمانید.

بقیه در صفحه ۱۲

در خرداد ماه ۴۲ وقتی آیت الله خمینی را با زداشت کردند و به تهران آوردند مرحوم سر لشکر باکروان ریاست سازمان امنیت را بر عهده داشت. ضمن ملاقات با آیت الله خمینی، باکروان که سردی نجیب و خوش فطرت بود به او می گوید: سیاست بدر روحانیون نمی خورد، چون در سیاست گاهی انسان مجبور میشود دروغ بگوید و حقایق را وارونه جلوه دهد و او این کار

ملی گرایی خلاف اسلام است

رده های گوناگون، از اوائل انقلاب اسلامی تا کنون، مرور کنیم، به این نتیجه می رسیم که ملیت در سلسله مراتب ارزش های این رژیم از اهمیت برخوردار نیست.

آیت الله خمینی، در همان روزی که در حدود یک میلیون ایرانی پر مزارش دروان مصدق گرد آمدند، گفت که " ملی گرایی خلاف اسلام است ". این گفته خمینی سپس شاعر ملی جماعت حزب الله علیه ملیون ایرانی شد و در رویدادهای تهران و شهرستان های ایران را سیا کرد.

محمد حسین بهشتی در سخنرانی ها و بحث ها پیش خسته از این نمی شد که ملیت را به عنوان امری عرضی در برابر مذهب می گفت ملیت، اگر نتوانست خود را با دین سازگار کند، تحمل پذیر است، اما اگر قرار باشد انسان میان این دو یکی را انتخاب کند، در انتخاب دین و کنار نهادن ملیت درنگ روا نیست. نتیجه می گرفت که انقلاب اسلامی انتخابی است، نه دینی است و وقوع آن در ایران فقط نقطه حرکت جغرافیایی آن را تعیین می کند. می گفت رسالت انقلاب اسلامی، جهانی است و ناسیونالیسم ایران اگر به این رسالت لطمه نزند، دست کم حرکت آن را کند و خواهد کرد، و به حال با پید آن را در سایه فراموشی گذاشت.

محمد علی رجائی، نخست وزیر و رئیس جمهوری پیشین اسلامی، در کرم گرم جنگ گفت که: " ما برای یک تکه خاک نمی جنگیم، برای اسلام می جنگیم. "

بقیه در صفحه ۱۱

هنگامی که می گوئیم حساب با ایران از رژیم که اکنون بر ایران حکم می راند جداست، این را نباید به عنوان شعاری تبلیغاتی تلقی کرد. هنگامی که می گوئیم رژیم خمینی خدایرانی است، فقط برای این نیست که عواطف ملی ایرانیان را علیه این رژیم برانگیزیم، این رژیم بر حسب ماهیت، بر حسب گرایش ها و بر حسب هدفهایش با منافع ملی ایران ناسازگار است.

اگر گفته های سردمداران رژیم را از

روزنامه ملیت: قاتلان سر بازان نهضت مقاومت ملی شناخته شدند

وسر هنگ حاد مدمنفر در ا به قتل رسانند. اعضای گروه تروریستی رژیم اسلامی به نام های سروان محمد طرافت کار، بورانی وزنی بنام اباحه قصری بنا به گزارش مسئولان امنیتی ترکیه، خانه های متعددی برای اختفا و طرح ریزی عملیات تروریستی در اختیار داشته اند که همه آنها کشاف و شناسایی شده است. آنها پس از انجام آخرین ترور خاک ترکیه را به سوی جمهوری اسلامی ترک گفته اند.

بقیه در صفحه ۳

دیپلماسی دروغ

در صفحه ۳

رسالت انقلاب اسلامی!

در صفحه ۴

کابوس هولناک

حکومت ریگان با نخستین بحران سیاسی خود، که در عین حال بزرگ ترین بحران آن نیز هست، دست و پنجه نرم می کند.

برخی مفسران، این بحران را با بحران واترگیت که نیکسون را به کام کشید، یا با بحران گروگانگیری که کارتر را از نفس انداخت، مقایسه می کنند. هنوز روشن نیست که بحران کنونی حکومت آمریکا چه ابعاد و دامنه ای خواهد داشت و پیامدهایش بدقت چه خواهد بود. ولی هنگامی که حکومت آمریکا دستخوش بحرانی جدی می شود، نورافکن ها بر آن بیشتر از آن می تابانند که روی دیگر سکه در رسانه های هنگامی جلوه خندان کند. در مورد اخیر، روی دیگر سکه همان نبرد قدرتی است که در جمهوری اسلامی از مدت ها پیش وجود داشت و اکنون، در پرتو رویدادهای تازه، ابعاد جدی برجسته ترو خطوطی روشن تر پیدا می کند.

بقیه در صفحه ۴

حکومت برضای مردمی وطن - زنده باد ایران

بقیه از صفحه ۱

انگلس و او نشان را بین کتاب دریا (حتی پیش از نشر آن در آمریکا) و توجهی که در وسایل ارتباط جمعی این قلمساره برانگیخته است خود دلیل اعتبار و ارزش مطالبات و جنبه‌های راهنمای آن در مقامی با سایر کتاب‌های مشابه است و به نویسنده حق می‌دهد که تا ادعا کند از مجموع آثار و مقالاتی که در سال‌های ۲۰ فقط در ایران جمع آوری کرده و خواننده "فقط ۲۰ درصد مطالب آن‌ها را مطابق واقع یافته است".

صراحت، وسواس در شرح موبموسوی برخوردها، بیطرفی محض در قضاوت، نشانه‌های آشکار از نظم فکری در کشف ارتباط و قیاس، تمام‌باز و بی‌سازمانی‌های حاکم بر مسامحه از تصمیم‌گیری در دستگاه دولتی کارتر و به موازات آن حکایات تکان‌دهنده از تزلزل روحیه خودبیاختگی سران سطح اول ارتش ایران که اندیشه‌های جز فرار از مملکت در سر نهاده اند و در انجام توصیفی جاندارانه ز فروریختن لحظه به لحظه ای بنا شده که به نظر هر یک از نویسندگان و آراسته است و به باطن پیوسته و بی‌آب نشده است. به کتاب چنان ارجح و اعتباری می‌بخشد که اگر نویسنده به جای عنوان "کتاب" را انتخاب می‌کرد، بهانه‌ای برای ادعا و اعتراض در میان نبود، بلکه ناگفته معلوم است که آن تقاضای رژیم‌تنها معلول حوادث آن چند هفته نبود، از عوارض زمینی ریشه می‌گرفت که هر کدام طی سال‌ها به سهمی در پوساندن بنا نقش داشته اند ولی یک خواننده هوشمند، در همان تصویر دقیقی که کتاب از جو فرماندهی ارتش (تنها ابزار اقتدار و دوا رژیم) به او می‌دهد، خود سر رشته‌ی تحقیق را پیدا می‌کند و به سادگی می‌تواند از یک راست به مقصد می‌رسد.

ها بزرگ، بی آنکه خود به قضاوت و حتمی استنباط قاطعی نسبت به کل نظام برسد، با روان‌ترین اسلوب و قیاس نگاری، علل درونی و بیرونی انفجار را می‌شکافد و ذهن خواننده را در قبول این واقعیت سیراب می‌کند که: بی مایگی و پوسیدگی و غلبه روحیه وابستگی و بخصوص پرورش انگلی و محرومیت زاراده و قدرت تصمیم‌گیری و در نتیجه رسوب در عوالم چالوس و عشق مطلق به خودنمایی و ترفیع - در بالاترین سطح فرماندهی ارتش - عامل اصلی باز شدن دروازه‌ها به روی فاجعه بوده است.

آن‌ها که با سخن بلند مولوی آشنایی دارند، وقتی کتاب را تا آخر می‌خوانند و برهم می‌گذارند، با مصداق تازه‌ای از تشبیه زندگی و آشنایی می‌شوند که برآستی "ماهی از سرگنده گرددنی زدم". نویسنده در آن هنگام معادلت الگسندر هیگ فرمانده نیروهای "ناو" را به عهده دارد. روز چهارم ژانویه (۱۹۷۹) ساعت دویز مباد هیگ تلفنی به او اطلاع می‌دهد که "تا فردا بعد ظهر باید تهران حضور داشته باشم". هیگ به انجام چنین مأموریتی به وسیله‌ی معاون خود را غیب نیست ولی به اجرای دستور رئیس جمهوری نیز ناچار است، و اما انتخاب‌ها بزرگ برای چنین مأموریتی سنگینی، بی سبب نیست. با ارتش ایران و بسیاری از فرماندهان آن آشنایی دارد. وظیفه‌ی او در این مأموریت ابلاغ پیام رئیس جمهوری و تعقیب آن است. کارتر معتقد است که "سقوط رژیم ایران برای منافع استراتژیک ایالات متحده مخاطره‌انگیز است". او بزرگ‌موظف است از قول رئیس جمهوری به فرماندهان ارتش اطمینان بدهد "آمریکا از دولت و سران ارتش بی دریغ حمایت خواهد کرد. زیرا جیمی کارتر و همکارانش با او در گذشته‌های گذشته با هم همکاری کرده‌اند و اگر نه بر شکست مأموریت، لاقلاً به پیچیدگی و دشواری تعهد خود یقین کند.

هر چه پیش‌تر می‌رود، بیشتر به عمیق نارسایی‌ها و تنهایی‌ها می‌رسد،

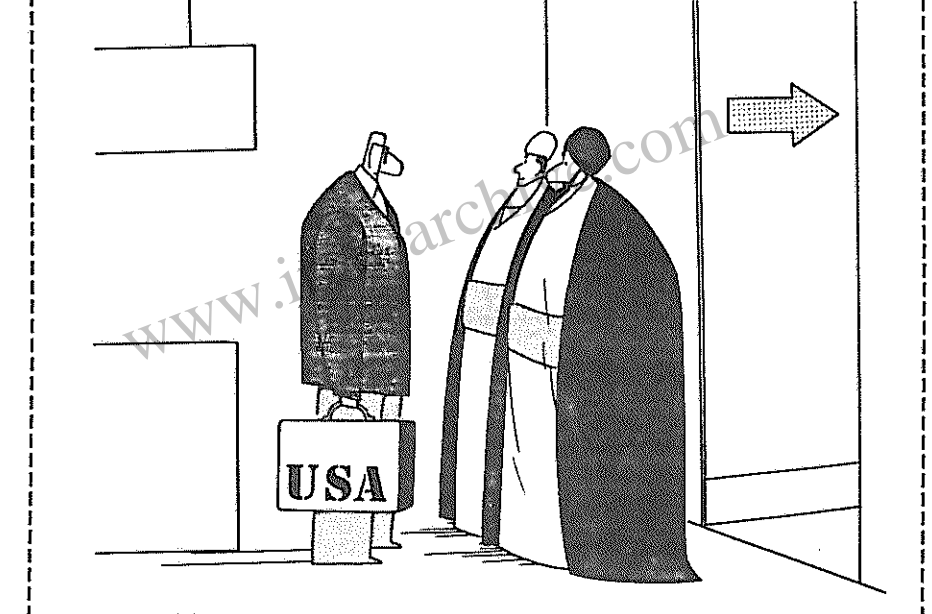
در حاشیه کتاب رابرت هایزر

مأموریت در تهران

ضمن اولین دیدار با سالیوان (سفر به وقت آمریکا)، احساس می‌کنند که "سفر" لحظه که با او مشغول دست دادن است، در همان نامه‌های هم‌درستش می‌گذارد، سالیوان (وزیر خارجه) در این نامه پیام داده است "تا اطلاع ثانوی به هیچ کاری دست نزنید". - ها بزرگ را این پیام می‌خورد ولی پیدا است که "سفر" آنقدرها از این "سفر" ناخشنود نیست. معذرت‌آمیز و وظیفه‌ی خود را با او در میان می‌گذارد، با زتاب موافقی نمی‌بیند و بعکس سالیوان خونسردی به او می‌گوید: "ارتش متلاشی است، کاری از پیش نخواهد برد، بختی را هم برای تشکیل کابینه بپیچوده تلاش می‌کند چون شکست خواهد خورد".

برای ها بزرگ بخصوص این جمله آخر شگفت‌انگیزتر است چرا که "بختی رهنوز

برداشت بختی را این بوده است که "در واکنش سیاست‌روشنی وجود ندارد، اطلاعاتی که توسط سفیر آمریکا، سی. آی. ا. و دیگران و در آن او خزانرا را می‌بزرگ جمع آوری می‌شود و به روی میز کارتر می‌رسد، هر کدام دیگری را خشنود می‌کند. "و عجیب است که حالا (یعنی چند سال پس از واقعه) ها بزرگ را این استنباط را به صورت نقل از یک واقعه‌ی مسلم با الفاظی مشابه مطرح می‌کند: "در اولین جلسه سفارت متوجه شدم وزارت خارجه‌ی آمریکا، پنتاگون، کاخ سفید و سفارت آمریکا در تهران از حوادث ایران هر کدام تعبیر خاص خود دارند. - با این همه ژنرال، همچنان در اندیشه‌ی راه‌جویی است بنا به سفارش رئیس‌جمهوری ناچار است در خط خود براند: با تک تک فرماندهان ارتش بگفتگویی نشیند، به احتمال زیاد



(چنانکه از فضای نوشته‌ی او بر می‌آید) پیش‌فکر کرده است که اگر بتواند ارتش را جمع و جور و آماده کند، خود بخود موفق خواهد شد، تضادهای موجود را نیز حل کند ولی متأسفانه از خودبیاختگی و تزلزل روبروی می‌شود و احساس می‌کند که "کلید معما = ارتش خود به معمای پیچیده‌تری مبدل شده است.

کتاب ها بزرگ اساساً "نوعی والیته از روشن‌ترین انواع" وقایع نگاری و "خاطره‌نویسی" است، پس طبیعی است اگر به جستجوی دست‌پاچه‌ی به ریشه‌ها و عوامل نهادهای فاجعه وارد نمی‌شود، ولی در همان "خط" و قیاس و خاطرات "آنقدر دقیق و کاوشگرانه" پیش می‌رود که زحمت عمده‌ای برای علت‌یابی باقی نمی‌گذارد.

ها بزرگ آشنایی‌ها می‌کند که پیش‌پیش به وضع ارتش پیدا کرده، آگاه است که اگر شاه مملکت را ترک کند، امیران ارتش او نیز خواهد رفت زیرا نه تنها درجه و قدرت که حتی سلامت‌شان خود را هم منوط به وجود حضور شاه در ایران می‌دانند "و بی درنگ نتیجه می‌گیرند: با رفتن شاه و ژنرال‌ها ارتش مضحل خواهد شد. او با ساختمان روحی امیران شاه آشنا است و مثلاً می‌داند: "غرور مفرط در حدی که در هیچ نقطه‌ی دیگر دنیا نظیر ندارد و در همان حال میل به فرار از مسئولیت که این یک نتیجه‌ی هراس‌ناکه است و اینکه ننگه‌ی می‌شود خلاف سلیقه‌ی او بر دارند" صفت مشترک تمام آن‌ها است. ها بزرگ این اطلاعات قبلی است که مخصوصاً در گریز او از صراحت شاه به ترک مملکت، تشدید ضعف "فرماندهان" ارتش او را حدس می‌زند ولی فقط هنگامی که روی روی می‌آید آن‌ها بگفتگویی نشیند، بی می‌برد که در حدس خود کسر آورده است، زیرا آنچه به حضرات داده، حالتی فوق ضعف خودبیاختگی است. سؤالات آن‌ها گاه چنان پرت است که

آشکارا از گسیختگی‌های روانی ایشان روایت می‌کند. در تمنا‌ها شان دقیقاً آنها را اختلالات عصبی نمایان است. گوشتی خمینی در خاک آمریکا دست به انقلاب زده است. به طعنه زها بزرگ، آن هم بتکرار و تکرار سؤال می‌کنند: "این امریکای کبیر چرا خمینی را خا موش نمی‌کند؟"

از سخن پراکنده‌های (بی. بی. سی) سخت ترسیده اند و زها بزرگ نتواند کار می‌کنند تا دهان بی. بی. سی دوخته شود. "پنجمین ارتش دنیا" به کلی از کار افتاده است، سوخت ندارد. طی سال‌ها هیچ یک از سرداران فکرنکرده است که اگر اعصابی سگرفت و حادثه‌ای رخ داد و وقت را خوابا بند، تکلیف‌آیند انبوه ماشین‌های جنگی و به قولی را "نجان" خودروها "چه خواهد بود؟ پس این جا هم با زها بزرگ است که چرا ارتش ایران سوخت ندارد؟ - اتفاقاً در این مورد اقدام فوری‌ها بزرگ برای انتقال سوخت به وسیله هرکولس‌های آمریکا (از عربستان سعودی) تا حدودی مشکل را حل می‌کند ولی امثال این قدم‌ها برای جنبا نندن سرداران کافیه نیست (آمریکا با بدخیمی‌ها بخواباند). زبان مشترک آن‌ها زبان خدا حافظی و "ترک ولایت" است. همه می‌خواهند بروند و ژنرال تقی‌میر می‌کند، این جمع در مانده آرام کند و در جای خود بنگهدارد.

انهدام مشاگردریک مورد فوق‌العاده ظاهراست. ها بزرگ نظر می‌راند را در باره بختی رمی خواهد. پاسخ‌ها مشابه ولی به ابهام آمیخته است. تقریباً همه‌شان به شجاعت و باور دارند. فرماندهی نیروی هوایی معتقد است که "اومردنیرومندی است ولی با وجود این که طوفان لحظه به لحظه شدت می‌گیرد و مملکت را به لبه پرتگاه می‌کشد، نگرانی بزرگ حضرات این است که بختی رخواهد در کارهای ارتش دخالت کند و وحشت آن‌ها درست از ظهورش ناشی است که اگر برقرار بود، کار به این مصیبت و درماندگی نمی‌کشید.

ها بزرگ آنکه از شیوه نگارش خود منحرف شود، در همان قالب نقل خاطرات تصویری فوق‌العاده روشن از کل نظام بدست می‌دهد، نظمی که تا روپودهستی یک ملت را در یک نقطه زده است و پیدا است اگر گره‌ها زشود، همه چیز فرومی‌ریزد. چنین نظمی بنا بر طبیعت خود آسیب‌پذیر است و لو با رنگ و روغن، استوار و بهنجار جلوه‌هاش دهند.

ارتش جزئی از این نظام بود که در عین حال با سادگی از آن رانیز برعهده داشت ولی زیارتاً شمر تقسیم عوارض فسرده سالاری علی رغم بوش زریقت خود از همه اجزاء دیگر پیوسته تر شده بود. بی گفتگو بزرگ‌های ارتش از توانایی‌های فوق‌العاده‌ای بهره داشت. سطوح بود (و این را بعداً در تمام زمینه‌ها به وضوح ثابت کرد). اما درین که قشر فرماندهی هرگز فرصتی نمی‌داد تا آن ظرفیت‌های بالقوه، بالفعل شود.

ها بزرگ در نقل گفتگوئی واقعیت در دنیا کی را بر ملا می‌کند: به مخاطب خود می‌گوید: - در این موقع حساس ارتش باید مسئولیت خود را بیاورد.

و جواب می‌شود: - شاه فقط یک انسان نیست، او همه‌ی مملکت است.

امیر ارتش "واقعیتی" را بیان می‌کند ولی از فهم واقعیت دیگری عاجز است که: (کانون مصیبت همین جا است). وقتی بنا می‌شود به یک ستون بنده می‌شود، با شکستن همان ستون سراپا فرومی‌ریزد. ها بزرگ در مدت اقامت خود هرگز حتمی لحظه‌ای با بختی روبرو نمی‌شود و این نکته‌ای است که بختی را با رها و بیارها از هفت سال پیش تا کنون هر زمان که سؤالی در زمینه‌ی مأموریت‌ها بزرگ مطرح شده، با قاطعیت بران تا کید کرده است ولی پیدا است که نه آن قاطعیت و نه این تا کید، هیچ یک لاف زن مغرض را از خلعت زشت خود بی‌زندانده است. باید پذیرفت ظهور چنین موجوداتی نیز خود میراث همان نظامی است که حکایت از "اصول" را تحریم می‌کرد و به "اصل خدشه‌ناپذیر خود" میدان می‌داد. اصلی که بموجب آن بریدن زبان‌های حقاو در شما روایات قرار می‌گرفت. چه بسیار شنیدیم که گفتند: "ها بزرگ و بختی را خراج شاه را طرح ریختند". چه فراوان لاف‌بندند که "کارترها بزرگ

بقیه در صفحه ۱۱

در حاشیه پیام دکتر شاپور بختیار

سیاست بین‌المللی

واراده ملت ایران

بقیه از صفحه ۱

خمینی به نمایندگان سرکش مجلس اسلامی خود گفت: مگر نمی بینید که آمریکا و فرانسه (وشوروی برای نزدیک شدن به جمهوری اسلامی روی دست یکدیگر بلند می شوند - پس شما چرا سرکشی مکنید؟

امروز دولت ها ، سواى کوشش برای بردن سهمی از بار زار داغ اسلحه ، به گفته صریح خودشان می خواهند دوره پس از خمینی ، در ایران حضور داشته باشند .

دکتر بختیار ، در آن روزها که رژیم اسلامی از روابط عادی بین المللی برخوردار بود ، در برابر آن قدر با فرشت ، و امروز که رژیم در برابر همه زانومی زندتا جیره بخورونمیرا سلحه و خوابا روموا دخام را بدست آورد ، به طریق اولی عزم خود را برای مبارزه با آن تار سیدن به نتیجه نهائی جزم تر کرده است .

قطعه نامه در باره

جنگ ایران و عراق

فراکسیون پارلمانی حزب سوسیال دمکرات آلمان غربی ، در آخرین جلسه ماه نوامبر خود تصویب کرد که قطعنامه زیر در باره جنگ ایران و عراق ، برای تصویب ، به سایر فراکسیون های پارلمانی پیشنهاد کرد :

- ۱ - از سال ۱۹۸۰ جنگ ایران و عراق ادامه دارد و تا بحال صدها هزار انسان بی گناه در این جنگ کشته شده اند . طبق برآورد سازمان های جهانی در این جنگ تا بحال بیش از ۲۵۰ هزار ایرانی کشته و ۵۰۰ هزار زن زخمی شده اند . تلفات عراقی ها به ۱۰۰ هزار رگشته و ۱۵۰ هزار زخمی برآورد میشود .
- ۲ - علیرغم اینکه اعلامی اعلامی در عراق از سیر جنگی هستند ، انسان های زیادی از طرف به علت بمباران مناطق مسکونی آوار گردیده اند ، طبق برآورد سازمان های جهانی تا بحال طرفین درگیر در جنگ بیش از ۵۰۰ میلیون دلار صرف هزینه این جنگ نموده اند . به توجه به مراتب بالا پارلمان آلمان :
- ۱ - آغاز جنگ به وسیله کشور عراق را محکوم می کند .
- ۲ - مصرف بمب شیمیائی به وسیله ارتش عراق را محکوم می نماید .
- ۳ - اعزام کودکان به جبهه های جنگ و بمباران مناطق مسکونی از سوی ایران

قائنان سران

نهیست مقاومت ملی

شناخته شدند

بقیه از صفحه ۱

مائوران امنیتی ترکیه با به دست آوردن یک عکس در یکی از خانه های تیمی ، توانستند سروان محمد ظرافت کاروا با حقصری را در کنار هم در این عکس شناسایی کنند ؛ این عکس در یکی از کافه های استانبول گرفته شده بود .

پلیس ترکیه در تعقیب تروریست های جمهوری اسلامی ، عکس و مشخصات آن ها را به تمام پست های مرزی و پلیس بین المللی داده است .

ملیت چاب استانبول ۲۷ نوامبر ۱۹۸۶

دیپلماسی دروغ

منظور خمینی از " آن چیزی " که به مجلس داده شد ، جز همان سؤال ساده ای نبود که هشت نماینده مجلس از وزارت خارجه اسلامی کردند که مک فارلین فرستاده کاخ سفید کی به تهران آمد ، چرا آمد ، با اجازت کی آمد و با کی مذاکره کرد .

این ، مطابق قانون اساسی خود جمهوری اسلامی حق مجلس است . اصل هفتاد و ششم آن می گوید : مجلس شورا حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد . و در اصل هفتاد و هفتم آن آمده است : عهدنامه ها ، معاهدات و موافقت نامه ها ، قراردادها و موافقت های بین المللی با دیده تصویب مجلس اسلامی برسد .

گویا قرارداد اجزا یرمیان جمهوری اسلامی و آمریکا ، که حتی بدون اطلاع مجلس شورای اسلامی بسته شد ، این درس را به مجلسیان نداد که بر آنان نیست که در امور مهمتر دولت اسلامی مداخله کنند ،

برخی از آنان خیال می کنند واقعا می توانند از حقوقی برخوردار باشند که قانون اساسی مندرج است . به همین دلیل اکنون آیت الله موسوی اردبیلی به یاد آنان می آورد که از این پس بشدت مراقب حرف های خود در مجلس باشند .

اگرچه در اصل هشتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است که نمایندگان رانمی توان به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند ، تعقیب یا توقیف کرد ، ولی برای دستگای تفتیش عقاید و سرکوبگرکا ردشواری نیست که در بیرون از مجلس پیرایه ها به آن ها ببندند . بهانه توقیف احمدکاشانی ، نماینده همین مجلس ، حرفهائی نبود که وی در مجلس شورای اسلامی زد ، بلکه ورا به موجب پخش اعلامیه در میان نیروهای مسلح با زدا شد کردند .

مجلسیان باید خاموش بمانند تا دولت بتواند دیپلماسی توأم با دروغ و ریا را تا سناتر ادامه دهد . درجای که روز به روز بیشتر آماه طغیان می شود ، یک صدای بلند اعتراض می تواند هزارها اشکاس پیدا کند . وقتی که یک صدای چنین است ، هزارها صدا چه خواهد شد ؟

آیت الله شیخ عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی جمهوری اسلامی در سیمینار قضائی نیروهای مسلح گفته است که نمایندگان مجلس شورای اسلامی هیچ فرقی با مردم عادی ندارند . در نخستین نگاه شاید اندکی غریب بنماید که رئیس دیوان عالی رژیم اسلامی ، در سیمینار قضائی نیروهای مسلح چرا ناگهان به یاد نمایندگان مجلس افتاد .

البته اتفاق افتاده است که آیت الله موسوی اردبیلی حرف های بیربط بزند . ولی این با ربیربط حرف نزد ، بلکه برای نمایندگان مجلس اسلامی بیای می فرستاد که در جو کنونی سیاسی در ایران دارای معنای خاصی است . مجلس اسلامی این روزها نه تنها برای دولت میرحسین موسوی ، بلکه برای رئیس خود شیخ علی اکبر فرستجانی هم کمی درد سردرستی می کند .

جامعه ایرانی علیه این دولت و دستگاه بشدت برآشفته است . این درخور فهم است . ولی مجلس اسلامی چرا ؟ به هر حال آیت الله خمینی این بار نیز صلاح در این دیده است که مجلسیان در باره مسائل مهمی که رژیم اسلامی با آنها روبروست ، غافلگیر نکنند . اینک موسوی اردبیلی برای فرستادن چنین بیای می برای برخی نمایندگان مجلس ، منتظر فرصت مناسبتری نشد ، حکایت از وضع دارد . دولت درخوا باندن صدای اعتراض مردم که روز به روز بلندتر می شود ، بیش از پیش دچار مشکل شده است ، و این مشکل افزون تر خواهد شد اگر نتوانند صدای اعتراض را در مجلسی که خود آن را ساخته است ، بخوابانند .

اصل هشتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی می گوید : " نمایندگان مجلس ... در اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی توان آن ها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده اند یا آرائی که داده اند تعقیب یا توقیف کرد . "

ظاهراً " این ماده از قانون اساسی اسلامی را آیت الله خمینی یک جور می فهمد و تعبیر می کند و برخی نمایندگان جویدر ، برخی نمایندگان آن را آزادی بیان در پناه نوعی مصونیت پارلمانی برای خود می فهمند ، لیکن خمینی که البته هیچ وقت برای قانون اساسی مورد تأکید خودش اهمیت قائل نبوده است ، این آزادی را فقط هنگامی برنمایندگان مجلس خود روا می دارد که دولت میرحسین حسین موسوی را به در سر نیندازد .

در سالروز ولادت پیا میراسلام ، خمینی خطاب به مجلسیان که آن روز در جماران حضور داشتند گفت : " چرا می خواهید بیان سران کشور تفرقه ایجاد کنید ؟ چرا می خواهید دوستگی ایجاد کنید ؟ چه شده است شما را ؟ " وی سپس به لحنی اندکی روشنتر افزود : " وقتی یک همچو تائید است از کاخ سفید ، وقتی یک همچو تائید است از ریگان ، لحن شما در آن چیزی که به مجلس داده اند ، از لحن اسرا شیل تندتر است ... "

که امروز ، با اراده ای استوارتر از پیش ، دست در دست یکدیگر نهند و مقاومت ملی را چنان گسترش دهند که تمام ایران به صورت شبکه ای نفوذنا پذیرا زما و مست سراسری درآید ، سخنی درست و درنهایت واقع بینانه سیاسی گفته است .

بختیار می گوید که راه رسیدن به ایرانی آبا دوازا دومتقل ، از ویرا نه های رژیم کنونی تهران می گذرد . بسا طاین رژیم با دیده دست خود ما ایرانیان برچیده شده است . آزادی و استقلال که دیگران در یک سینی زرین برای ما بهارمغان بیاورند ، برخود آنها آرزائی باد . البته ما ایرانی ها می بینیم ، ولی این باری هارا هنگامی میتوان انتظار داشت که ملتی خود برای اثبات شایستگی های خویش بیا خیزد .

ملت ایران ، در پاسخی که به دود عسوت همگانی نهضت مقاومت ملی داد ، به دنیا هم اندکها این رژیم دیگری بیا هی اجتماع می ندارد . اکنون بر خود ملت ایران است که ثابت کند راه و گنجایش سرنگون کردن این رژیم را راست ، یک ملت ، اگر بخواد ، همواره می تواند این قدر نیرو بسیج کند که رژیم را برافکند . دست سرکوبگرترین رژیم ها نیز ، هنگامی که با مقاومت یکپارچه ملت روبرو شود ، سرانجام مست خواهد گردید .

عراق را محکوم می سازد . ۴ - ادا مه جنگ به وسیله ایران را محکوم می کند . ۵ - دولت ایران پیشنهادات سازمان ملل از طریق اولاف پالمه نخست وزیر پیشین و فقید سوئد ، و پیشنهادات بلوک بی طرف را برای برقراری صلح و پایان دادن به این جنگ نپذیرفته و این امر از نظر پارلمان آلمان محکوم می باشد . پارلمان آلمان از دولت آلمان می خواهد :

- ۱ - با دولت های درگیر در جنگ بخواد تا به صلح پایدار در منطقه دست یابند .
- ۲ - حمله عراق به ایران به دولت ایران این اجازت نمی دهد تا هدتها جنگ را به دلخواه خود تا پیروزی ادامه دهد .
- ۳ - از فروش اسلحه ز کشور آلمان به دولت های ایران و عراق جلوگیری نماید .
- ۴ - با کشورهای دیگر همکاری جدی تری بنماید ، تا از قاچاق اسلحه ز کشورهای اروپائی به دو کشور درگیر در جنگ جلوگیری شود .
- ۵ - از سایر برمالک جهان بخواد هدتها از فروش اسلحه به ایران و عراق خودداری نمایند .
- ۶ - از طریق بازار مشترک اروپا از دو کشور درگیر در جنگ بخواد :
- الف - هر چه زودتر به جنگ خاتمه داده و به مرزهای شناخته شده قبلی خود برگردند تا بتوانند به صلح پایدار دست یابند .
- ب - از مصرف بمب های شیمیائی خودداری نمایند .
- ج - از اعزام کودکان به جبهه های جنگ خودداری نکنند .
- د - اسیران جنگی را قوری آزاد سازند .
- ه - در امور داخلی سایر کشورها دخالت نکنند .
- و - عقد قرارداد صلح و پرداخت غرامت برای خسارات ایجاد شده .
- ۶ - از طریق بازار مشترک اروپا از مالک اتحاد جماهیر شوروی و ایسالات متحده آمریکا مصرانه بخواد هدتها در جنگ ایران و عراق به هیچ نحوی دخالت نکنند .
- ۷ - از طریق بازار مشترک اروپا و سازمان های بین المللی از دولت های ایران و عراق بخواد هدتها حقوق بشر را در کشورهای خود رعایت کنند و دولت ایران با پیدا ز تعقیب و آزار بیشتر بهائیان خودداری نماید .

قیمت جدید نفت

" کمیته قیمت ها " سازمان اوپک که از وزرای نفت پنج کشور ایران ، عربستان سعودی ، کویت ، لیبی و اکوادور تشکیل گردیده ، تصمیم گرفته است به مجمع عمومی اوپک که در اوایل ماه جاری در ژنو برگزار خواهد شد ، پیشنهاد تا زده ای را بدهد . بنا به گزارش های رسیده از کیتو با بخت اکوادور ، توصیه " کمیته قیمت ها " به مجمع عمومی ، بازگشت به سیستم قیمت گذاری وتلاش برای بازگرداندن قیمت نفت از چهار ده دلار کنونی به هیجده دلار در شبکه است ، اما کمیته روئس نگرده است که آیا لازم رساندن قیمت نفت به ۱۸ دلار در شبکه کاستن میزان تولید است یا نیست ، واگر هست ، چه پیشنهادی برای تقسیم تولید کل بین اعضا در نظر گرفته است .

کابوس هولناک

بقیه از صفحه ۱

پس از چندین روز این دست و آن دست کردن، هاشمی رفسنجانی دوباره گفته است که اگر آمریکا رفتاری درست داشته باشد، جمهوری اسلامی برای ایجاد رابطه با آن مانعی نمی بیند. این سخنان تازه او را می توان حمل بر آن کرد که رفسنجانی از موضع تدافعی چندروزه خود بیرون آمده، به موضع تهاجمی نقل مکان کرده است. و این، در حالی است که دانشجویان مسلمان، همان به اصطلاح "خطامی های" سابق و درراس آنها موسوی خوئینی ها، آشکارا اعلام داشته اند که هرگونه رابطه با آمریکا به معنای پایان انقلاب اسلامی است، گفته اند هر نقطه ای که آمریکا از آن وارد جمهوری اسلامی شود، یک نقطه ضعف انقلاب است، ضعیف ترین حلقه زنجیر انقلابی است که آمریکا به هیچ روی نمی تواند از دشمنی ذاتی با آن دست بردارد.

آماج این حمله ها کسی جز هاشمی رفسنجانی نمی تواند باشد. وی، که از سخنرانی خمینی در سالگشت تولد پیاپی میر، ترمزها را اندکی کشیده بود، اکنون آشکارا از سوی خمینی پشتوانه ای به اندازه کافی بدست آورده است که دوباره مسأله ارتباط با آمریکا را، هرچند به شیوه آخوندی خاص خودش، مطرح سازد.

در خورتوجه اینکه وی از آمریکا به عنوان شیطان بزرگ، یاد نکرده، بلکه آن را در ردیف کشورهای چون فرانسه، اتحاد شوروی و کشورهای دیگر آورده است که جمهوری اسلامی می تواند با آن ها مناسبات عادی داشته باشد.

رفسنجانی شاید از خمینی قول صریح پشتیبانی دریافت نکرده باشد، اما دستور خمینی به هشت نماینده مجلس اسلامی که سوال خود را از وزارت خارجه درباره سفر کمفرلین به تهران پس بگیرند، برای اومی تواندنشانهادی تشویق کننده باشد، به احتمال بسیار مجلس شورای اسلامی در این باره همانگونه محکوم به سکوت خواهد شد که در باره بازداشت احمدکاشانی، نماینده نطنز، سکوت کرده است و همان گونه به صورت مهرلاستیکی برای تأیید تصمیم هاشمی که در جای دیگر گرفته می شود در خواست های هدیه که به هنگام تمویب آغا زما کسرات الجزایر در آمده بود.

اما گمان نمی رود که خاموش کردن نیروهای دیگر در درون دستگاه رژیم اسلامی که با ایجاد ارتباط با ایالات متحد مخالفتی همیشگی دارند، به آسانی خاموش کردن نمایندگان مجلس اسلامی باشد.

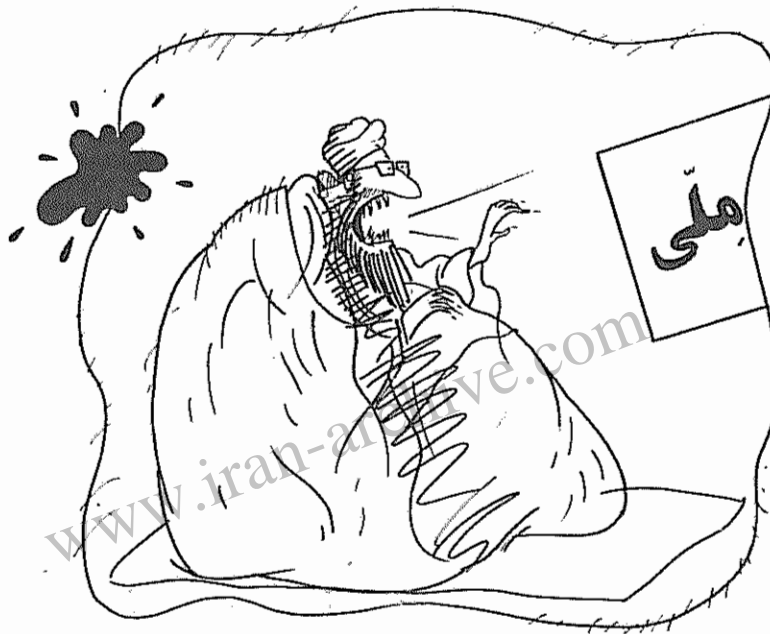
رفسنجانی، با تأیید خمینی، دیدار با نمایندگان دولت آمریکا را با امکان ایجاد مناسبات با آن، مطرح کرد و همه واکنش ها را آزمود. واکنش جامعه ایرانی، در حالی که تواءم با نسوعی

سرخوردگی از ایالات متحد بود، با ردیگر نشان داد که جامعه تا چه حد به این رژیم بی اعتماد است. واکنش عناصرتندرو مخالف غرب نیز هیچ نشانه ای از نرمش و اعتدال در خود نداشت.

در نتیجه اکنون برای آن جناح از رژیم که نوعی سازش با غرب را برای بیرون آمدن از این بست کنونی، چه در اقتصاد و چه در جنگ، ناگزیر می دانند، دیگر

میدانی برای مانور بین نیروهای چپ و راست باقی نمانده است. جناح طرفدار سازش با غرب اکنون گریزی از این ندارد که جناح مخالف سازش با غرب را سرکوب کند تا بتواند بدون مزاحم از درون رژیم به تلاش های پیش برای بیرون آمدن از این بست ادامه دهد.

لحن آن ها هنوز محتاط و تاکتیکی آن ها دو قدم به جلو و یک قدم به عقب است. این دودلیل دارد: یکی اینکه می خواهند فکرنزدیک شدن به آمریکا را در هیأت حاکمی جا بیندازند که شعارهای ضد آمریکا می در آن به صورت آداب مذهبی در آمده بود، و دیگری اینکه نمی توانند پیش بینی کنند در آن سوی خط، در خود آمریکا، چه پیش خواهد آمد.



حتی مذاکره و معامله با حکومتی که نام آن گروگانگیری و تروریسم را در ذهن آمریکا می معمولی تداعی می کند، چنان که می بینیم، دولت ریگان را با بحرانی، با پیماندهای پیش بینی نا پذیر و بیرونی ساخته است. ایجاد ارتباط با چنین حکومتی، جای خود دارد. یکی از علل سبب دیپلماسی پنهان هیچجمله ما هم به بیشتر نا آگاهی حکومت آمریکا از نظراتی بود که مردم این سرزمین از رژیم اسلامی حاکم بر ایران دارند. ریگان، این محبوب ترین رئیس جمهوری آمریکا، شاید از هیچ چیز این قدر صدمه نمی دید که سهاز تماس با کارگزاران رژیم اسلامی دیده است. نه فقط او از این پس، بلکه هر کسی هم که پس از او بیاید، چساره ای ندارد مگر که این را در سیاست خارجی خود به حساب آورد.

خمینی که بارها گفته بود و رده های پائین تر از او تکرار کرده بودند که با ملت آمریکا دشمنی ندارند بلکه با حکومت آن مخالفند، اکنون در یافتن آنکه در محاسبه دچار اشتباهی بزرگ شده اند. دولتی در آمریکا اگر بخواد به سیاستی با جمهوری اسلامی برسد، یکی از بزرگترین موانع آن همین نفرت افکار عمومی آمریکا از رژیم تهران است. اگر ما مداران رژیم تهران با ملت آمریکا دشمنی ندارند، ملت آمریکا نمی تواند به رژیم تهران بیندیشد و گروگانگیری و تروریسم، این کابوس هولناک ملی را به پایداری آورد.

رسالت انقلاب اسلامی!

بنیادها، ما نندا ائمه، جمعه و انجمن های اسلامی که همگی در کار دولت مداخله می کنند و بندرت به دولت اجازه می دهند که در کارشان مداخله ای داشته باشد. حتی اشتباه محض است اگر بپنداریم که قدرت در جمهوری اسلامی از جاران، از شخصی آیت الله خمینی برمی آید. اگر برای خمینی قدرتی قائل شویم. این است که وی می توان نشان داده است در این که تاکنون از میان آشفتگی ها و بریشانی ها راهی برای خودیگشایی و وگرنه خمینی هرگز این قدر قدرت نداشت که تصمصیم نهایی بگیرد و آن را به وسیله ارگان های اجرائی روبه راه در سطح گوناگون به اجرا در آورد. اما این قدر قدرت دارد که نگذارد یک جناح رقیب چنان غالب آید که بتواند بگوید ما اینجا نه در جمهوری اسلامی، اوست.

خمینی، حتی اگر از ته دل آرزو نکنند، نخواهد توانست در جمهوری اسلامی خود، قدرتی مرکزی بوجود آورد. چند تلاش عیث او برای آن که سرانجام از رژیم خود بیگانه بسازد که در آن درها و پنجره ها و راهروها و اتاق ها سر جای خودشان باشند، به اندازه کافی برای آموزش بوده که دیگر گردنم وروال بخشیدن به جمهوری اسلامی نگردد و فقط خود را با اوضاع، چنین که هست، تطبیق دهد.

شاید تفاوت مهم خمینی با دیگران در این باشد که می دانند رژیم جمهوری اسلامی هیچ نظمی را بر نمی تابد، حال آنکه دیگران، دست کم آن ها که به آینده خود می اندیشند، می کوشند چنین نظمی را بوجود آورند. تفاوت دیگر خمینی با دیگران در این است که می تواند، بنا به موقعیت خود، به هنگام شکست یا درماندگی در تصمیم گیری، روی بیو شاند و همه دیدارهایش را به آینده موکول کند.

با این همه وی به چشمی بیندکس به هم ریختگی جامعه ایران در همه جا و همه چیز،

ایالات متحد آمریکا در جمهوری اسلامی به جستجوی "عناصرتندل" برآمد، ولی نه تنها در آنجا عناصرتندلی نیافت، بلکه دریافت که طرف مذاکره ای هم نمی توان پیدا کرد که بشود به قول و قرارها پیش اعتماد کرد. نه تنها سیاست آمریکا، بلکه تمامی سیاست غرب، در جمهوری اسلامی اسیر شبحی است که رسانه های همگانی غرب در بوجود آوردن آن سهم بزرگی داشته اند. بنیاد شتند چون هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس اسلامی و نماینده خمینی در شورای عالی دفاع است، چون غالباً "نما زجمعه" تهران را کارگردانی می کند، چون به وسیله برادرش برادر دیو - تلویزیون دست گذاشته است، چون به وسیله خویشا و نندش محسن رفیق دوست در سپاه پاسداران محسن رفاشی را می پاید، پس مردنیر و مندر رژیم است و در پیگاه قدرت، پس از خمینی در مرتبه دوم قرار می گیرد. پس دست کم او را می توان به عنوان طرف مذاکره ای در خورا عتقاد پذیرفت. این بنیاد ریتدریج چنان قوت گرفت که به صورت واقعیتی انکارنا پذیر پذیرفته شد.

ولی واقعیت این است که در جمهوری اسلامی قدرتی مرکزی وجود ندارد که تصمیم ها از آن برآید و به ارگان های گوناگون حکومت یا دولت انتقال یابد. تنها می رسد که انقلاب اسلامی در ایران در هم شکستن قدرت دولت مرکزی بود و تاکنون هر تلاشی برای ایجاد یک دولت مرکزی حاصلی جز سرخوردگی برای رژیم نیاورده است.

لبته کابینه ای با هیأت وزیران، وزارتخانه ها با معاونان و مدیران کل، سردی و برجمی، سفارتخانه ها و سفیرانی با کاردارانی، وجود دارند، نیروهای مسلحی هم هستند، ولی هیچ کدام از اینها مرکز تصمیم گیری نیستند. در کنار این نهاد های دولتی، نهاد های به اصطلاح انقلابی را می بینیم مانند کمیته ها و بسیج، مانند دادگاه های انقلاب و

میدان ما نورا و مادام تنگ ترمی کند، می بیند که دیگران در یافتن آنکه در رهبری امر رهبران برسد، می توان فرمان رهبر را کردن نگذاشت، می توان "خط امام" را نخواند. در این میان، اگر چه تمام می رسد مداران رژیم او نگرانند، ولی نگرانتر از همه آن کسانی هستند که تنها در سایه او بالیدند و قدرتی گرفتند. ولی خمینی فقط از حیث جسمانی نیست که صدمه ای او نباشد، به هیچ روی سبک ترین نیست. او بر داشته شد، اکنون بسیار پیش از آن که بترسند، می خنداند. محمدی ریشتری نیز، که به عنوان وزیر اطلاعات خمینی این قدر احساس قدرت می کرد که توانست خویشان و نزدیکان آیت الله منتظری را با زداشت کند، امروز تجربه می کند این را که دستور خمینی را هم می توان به اصطلاح در کوزه گذاشت و آبش را خورد. اگر خمینی، مثلاً سه سال پیش، به یک مقام اجرائی دستوری داد که کسی را با زداشت کند و تا مرحله محکومیت قطعی به تعقیب او بپردازد، آیا حرفش نخورد داشت؟ ولی امروز دستور صریح خمینی نیز برای تعقیب جناحی مهدی هاشمی کارگرنیفتاد. امروز، بیش از همه نزدیکان منتظری، به ریش ریشتری نمی خندند، به ریش خمینی می خندند. او خواست حتی بی واسطه مقام های قضائی رژیم خودش، متهمی را مجازات کند ولی نتوانست. اما "سیلی زن" اگر بیش از این عمر کند، به لولوان پنبه ای خواهد شد.

رادیو محلی نهضت و دانشگن

رادیو ایران - رادیو محلی نهضت مقاومت ملی ایران - مریلند و واشنگتن - ویرجینیا - مریلند یکشنبه ها - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با مادروزی موج متوسط ۱۴۵۰ - رادیو W.O.L.

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین‌المللی

مرزهای بسته

لیبراسیون چاپ پاریس در گزارشی زیر عنوان: یونان مرزهای خود را بر سر روی پناهندگان ایرانی بسته است، مینویسد: سیل پناهندگان ایرانی که از رژیم خمینی میگریزند کشورهای ترکیه و یونان را با مشکلاتی روبرو ساخته است که این دو کشور میگویند که آنها را به گردن یکدیگر بیندازد. حکومت آن که ترکیه را بمنزله "اولین کشور پناهنده" به طفره رفتن از وظایف خود متهم میسازد، مرزهای خود را بر روی پناهندگان ایرانی بسته است و با آنان با شدت عمل رفتار می کند.

تاکنون ۸۶ ایرانی بسبب ورود غیرمجاز به یونان دستگیر شده اند و به مجازاتی از ۴ تا ۱۶ ماه زندان محکوم گردیده اند. و این درسی است به ۳ تا ۴ هزار ایرانی که در "اردین"، منطقه مرزی ترکیه با یونان به امید عبور از مرز در آوارگی بصری برند. از این میان، آنان که شانس بهتری داشته اند در اردوگاه لاوریبون در ۸۰ کیلومتری آن استقرار یافته اند. این اردوگاه زیر نظر پلیس یونان و با سرپرستی عالی کمیساریای پناهندگان سازمان ملل متحد اداره می شود. و همواره ۴۰۰ نفر پناهنده سیاسی ترک، کرد، بلغار و رومانی که برای برحداکثر گنجایش این اردوگاه است در آن زندگی می کنند. عده ای دیگر نیز توانسته اند در هتل‌های پست میسدان "اومونیا" در آن محل اقامت بیفکنند. یکی از اینان علی است، او که هنوز در ستین نوجوانی است در مهرماه گذشته از ایران گریخته است. سه سال در جبهه خدمت کرده است. در سال ۱۳۶۱ هنگامی که بیش از نوزده سال نداشت او را به جبهه فرستادند. وی از کوهستانهای کردستان ایران توسط یک "آدم بر" ترک عبور کرده، سپس حدود ۲۰۰ کیلومتر راه را در آن طولی طی کرده و با قساق باقی باقی از رودخانه "اوس" در مرز ترکیه و یونان گذشته است. از خشوش اقبالی توانسته است با یک نماینده سازمان ملل در یونان تماس بگیرد. اما با اینهمه نمی توان به آینه شده او امیدوار بود. خودش می گوید: "از وقتی که بلغارستان و یوگسلاوی مرزهاشان را بر روی ما بسته اند، یونان تنها راه رسیدن به آمریکا و کانادا است."

اما نرخ ها را آدم برهای ترک تعیین می کنند. نرخ عبور قساق از اوروپ بسته به مسافت منطقه عبور از ۵۰ تا ۵ هزار دلار متغیر است. این سوداگری انسانی به تا زگی توسط یا نیس کاپیس، معاون وزیر خارجه دولت یونان محکوم شده است. وی دولت آنکارا را تهدید کرده است که در صورت ادامه این وضع از خبرنگاران بین المللی دعوت خواهد کرد که سری به محل بزنند و از آن گزارشی تهیه کنند. از آنجا که آدم بر ترک علی را از ایران تا اینجا به همراه آورده است، قیمتی گدای برداخته

سیاست میانه روی



روزنامه لیبراسیون طی تفسیری درباره مناسبات آمریکا و جمهوری اسلامی مینویسد: سردمدار جناح میانه روی جمهوری اسلامی که با آمریکا تماس گرفته ها شمی رفسنجان است. لیبراسیون با اشاره به بخشی از نطق ریگان که گفته بود: "علت فروش اسلحه به جمهوری اسلامی، برقراری تماس با جناح میانه روی جمهوری اسلامی بوده است" می نویسد:

بدون تردید در نبرد بی امان قدرت برای جانشینی خمینی، ها شمی رفسنجان می مظهر گروه میانه روی طرفدار رگشایش با مذاکره با آمریکا به شمار می آید. شاید این چهره رفسنجان که تا بحال به عنوان یک عنصر افراطی شناخته می شد تعجب آور باشد، اما اگر روش استادی، خمینی را در نظر بگیریم، مسئله حل می شود. خمینی نیز قبل از رسیدن به قدرت، متزلزل کننده قدرت وقت محسوب می شد. اما پس از در آغوش گرفتن شاه قدرت، به کلی چهره عوض کرد و اکنون به صورت پاسبان ارتجاع و سکون و بی حرکتی در آمده است. ها شمی رفسنجان نیز از منطقی مشابه پیروی می کند. و نیز برای رسیدن به قدرت بسیاری از رقیبان را از زمین برد و اینک که خود را مرد شماره ۲ رژیم جس می کند، در مقابل گروه منتظری ظاهر می آید و در پی پیش گرفته است.

لیبراسیون در شرح علت سیاست جدید رفسنجان می نویسد: او که بی برده جمهوری اسلامی نمی تواند از راه نظامی بر عراق پیروز شود، تمام تلاش خود را بکار گرفته است تا از طریق مذاکره بر محور برکنار شدن صدا حسین رئیس جمهوری عراق، به جنگ خاسته دهد. سوریه در این میان سعی دارد عربستان سعودی را وادار کند که زیستبانی از عراق دست بردارد تا سوریه بتواند در راه خدمتش برای از یاد آوردن حکومت عراق از جمهوری اسلامی شعیب بگیرد که در عراق حکومت اسلامی برقرار نکند. اما آمریکا به عربستان سعودی فهمانده است که به چنین تعهدی زسوی جمهوری اسلامی به هیچ وجه اطمینان ندارد زیرا در صورت سقوط حکومت عراق، دیگر نمی توان جلوی توسعه بنیادگرای جمهوری اسلامی را در منطقه سد کرد. لیبراسیون می افزاید: امتناع آمریکا می تواند عامل تسریع کننده دستگیری نزدیکان منتظری باشد. رفسنجان بی این

سیاست رگزار بوده است. این مبلغ را برای درش که در نیکا گو بصری برد پرداخته است.

لیبراسیون در ادامه می گوید: یک تکنیسین سابق با یا نه نفتی خارجی که در اردوگاه لاوریبون بصری برد میسول "در ایران همه چیز می شود با بسول بدست آورد. حتی آزادی را. با ۲۵ هزار دلار می توان گذرنا مه ولایت هوا پیمای هر کشوری را از طریق پاسا رها بدست آورد. پاسا رها حتی برای بردن شما تا فرودگاه به درختان می آیند. اما او که چنین پولی نداشته است، با زن و دودختر کوچکش از رسته کوههای آناتولی گذشته است. همه خطر ها و هراس ها را تحمل کرده است. در خرداد ماه گذشته آن هوا و اردیون نشاندند و در همان لحظه ول همگی به ۱۶ ماه زندان محکوم شدند. پس از تقاضای فرجام، مجازات شان به دو ماه تخفیف یافت که به تا زگی با یا نه یافته است. او در پاره ای که چگونه به اردوگاه لاوریبون رسیده است می گوید: "دولت و دادگستری یونان هر پرونده ای را جدا گانه بررسی می کنند. نتیجه کار با اخراج، یا زندان، یا رفتن به اردوگاه است. بهر حال امروز ایرانی بودن جز قمار باخته نیست."

لیبراسیون در پایان می نویسد: در سلسله مراتب پیچیده مهاجرت، رفتن به اردوگاه لاوریبون نوعی ارتقاء مقام بشمار می رود. چرا که در آنجا به مهاجران کارت پناهنده گی سیاسی داده می شود. اگر کارها درست و سریع انجام شود، امید سر پناه و خوابگاه وجود دارد. یونان که از کشورهای امضاء کننده قرارداد ژنو در باره پناهندگان است، ماده ۱۷ این قرارداد را که در باره دادن اجازه کار به پناهندگان است نپذیرفته است. و تنها تا مین حد اکثر دو سال اقامت پناهندگان را تخمین کرده است. اما این شرایط به دلیل وجود ترک ها و کردهای بی شماری که در اطراف لاوریبون به کار رسیه اشتغال دارند و زبان یونانی را یاد گرفته اند تغییر کرده است. چرا که اینان و رود تازه واردان ایرانی را که غرق در "روسیای آمریکا" خویشند با تحقیر تحمل می کنند.

ما نور می خوا هد به آمریکا نشان ده که کنترل اوضاع ایران را در دست دارد. همین هدف وی، می تواند آماجگی او را برای آزاد کردن گروگان های آمریکائی در لبنان توجیه کند. به عقیده بعضی ناظران سخنان رفسنجان به معنا سبت سالروز اشغال سفارت آمریکا که طی آن به تماس با شیطان بزرگ اعتراض کرد، نیز به منظور آن است که نشان دهد وی سرد قدرتمند رژیم جمهوری اسلامی است. لیبراسیون نتیجه می گیرد که رفسنجان برای جلب توجه آمریکا و برای آن کسه نشان دهد همه سر نخ های جمهوری اسلامی در دست او است، در مقابل جناح منتظری سیاست میانه روی در پیش گرفته است.

بازتاب افتضاح

مطبوعات انگلستان هفته گذشته با دقت و تفصیل بیشتری عواقب افتضاحی را که در آمریکا بر سر فروش مخفیانه اسلحه به جمهوری اسلامی و اختصاص وجوه آن به شورشیان نیکا را گوته بر آه افتاده است، مورد بررسی قرار داده اند.

روزنامه "تایمز" در سرمقاله خود می نویسد: رونا لدریگان برای جلوگیری از فلج شدنی شبیه آنچه پس از ماجرای وا ترکیت در آمریکا رخ داد، احتیاج به کمک دارد. بدون عملیات گسترده نجات، قدرت دولت آمریکا به همان شدت دو سال آخر حکومت ریچارد نیکسون آسیب خواهد دید.

دیگر روزنامه انگلستان، "تایمز" نیز همین هشدار را می دهد، اما دوران فلج شدن دولت آمریکا را سه سال پیش بینی می کند: ۲ سال باقی مانده حکومت ریگان و یک سال برای آن که جانشین وی به موروار شود.

تایمز می نویسد: از این پس مبارزات شورشیان نیکا را گوته محکوم به شکست است. روزنامه لندن معتقد است که در این میان روابط دو بر قدرت آسیب زیادی نخواهد دید.

روزنامه "فانگ" می گوید ریگان این بار نیز بر مشکلات فاش خواهد آمد و بی معنی است که این ماجسرا را شبیه و ترکیت بدانیم.

در مقابل روزنامه "دیلی میور" نزدیک به حزب کارکنان این ماجرا را شبیه به وا ترکیت میداند و روزنامه کمونیستی "مورینگ استار" می نویسد: ریگان چه از ماجرای فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و اختصاص یافتن وجوه آن به شورشیان نیکا را گوته آگاه باشد چه نباشد، باید سمت خود را ترک کند.

۱۰۰ میلیون دلار اسلحه

هفته نامه "نیوزویک" چاپ آمریکا نوشت: ایالات متحده با تحویل ۱۰۰ میلیون دلار اسلحه به جمهوری اسلامی موافقت کرده بود.

آمریکا بطور مستقیم معادل ۵۰ میلیون دلار تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی تحویل داده است و چنانچه بهای سلاحهای که از طریق کشورهای ثالث بخصوصاً اسرائیل به رژیم تهران داده شده است نیز محاسبه شود، این رقم یکصد میلیون دلار تجاوز می کند.

ویلیام کیسی رئیس سازمان اطلاعاتی آمریکا "سیا" روز جمعه در مقابل اعضاء کنگره آمریکا تا شکر کرده بود که جمهوری اسلامی ۱۲ میلیون دلار برای تحویل گرفتن اسلحه آمریکا می برداخت کرده است.

منابع نزدیک به "پنتاگون" قبلاً فاش کرده بودند که ۲۰۰۸ موشک خدناک "تاو" و بیش از ۲۰۰ موشک ضد هوائی "هاوک" به همراه تجهیزات نظامی دیگر از سوی آمریکا به جمهوری اسلامی تحویل داده شده است.

به نوشته مطبوعات آمریکا، جمهوری اسلامی همچنین قطعات یدکی هوا پیمای های جنگی اف-۱۴ و اف-۴ نیز دریافت کرده است.

به نوشته نیوزویک تنها بهای موشکهای تحویلی "تاو" به ۲۰ میلیون دلار می رسد.



" ما داشتیم ردمی ندیم، گفتیم به یا دا یا م گذشته این هدیه کوچک را بشما بدهیم" کاریکا توراز: لوری - نقل از فیکا رو.

هم میخان عزیز!

هر روز تلفن خیری نیت مناومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شمارا در حرمان آخرین خبرهای ایران و جهان فرار می دهد. ساره تلفن:

۸۵-۸۵-۳۶-۴۳ پاریس

فرهنگ ایران

محمد جعفر محجوب

دو پدیده‌ی هندی و ایرانی

شطرنج و نرد

گویا پیش از این، این نکته را یاد کرده باشیم که در بخش تاریخی شاهنامه سرگذشت خسرو نوشیروان از همه طولانی‌تر است. در ضمن زندگی نامه این پادشاه داستان‌های بسیار آمده است که صورتی جداگانه و مستقل دارد. برخی از آن‌ها نیز در دوران‌های بعدی بارها و بارها مورد استفاده داستان‌سرایان واقع شده و شاخ و برگ بسیار یافته است. داستان فرستادن رای هند در شطرنج را به ایران، و ساختن بزرگمهر برای نرد را در ایران، و فرستادن به هندیکی از داستان‌های دل‌پذیر روزگار نوشیروان است. اما پیش از پرداختن بدان، باید یک نکته را یادآور شویم:

یکی از عناصر داستان‌سرایان، که در ادب فارسی شاهنامه فردوسی قدیم‌ترین سرچشمه آن است، و بارها و به‌کثرت مورد استفاده سایر قلم‌نویسان و مصنفان داستان‌ها قرار گرفته، رد و بدل شدن داستان‌ها و دانه‌ها و سوراخ‌ها و دریا‌ها و پادشاهان، و طرح سؤال‌های دشوار و درخواست جواب آن، یا فراموشی مصنفان و مصنفان‌های پیچیده و درخواست حل آن‌هاست. در حقیقت داستان‌سرایان، در عرصه داستان‌نویسی برای نشان دادن پیروزی یکی از دو حریف، به جای روی آوردن به منطق و شمشیر و تکیه کردن به دلیل قاطع زوربسا زور و نیرومندی، راه‌های تازه‌ای برای زور زما یا حریفان جستجو می‌کند. یکی از آن‌ها نیز این بود که پادشاهی - مثلاً رای هند - فرستاده‌ای خریدمندوزبان آوردن به دربار حریف خود - مانند پادشاه ایران - می‌فرستد و پرسش‌هایی را مطرح می‌کند و جواب می‌خواهد و متلاطم می‌گردد. اگر این پرسش‌ها را پاسخ بگوید به پادشاه و خراجی که از او خواسته‌اید کردن می‌دهیم، وگرنه به دیگر نه تنها از ما با زور و انخواهید، بلکه خودنیز باید خراج گزار ما شوید چرا که داستان‌سرایان چیز تیرتیر است. بدیهی است که در تاریخ ایران، چنین مسابقه‌ای همواره با پیروزی ایرانیان پایان می‌یابد. داستان شطرنج و نرد، که اولی از هندی‌ها به ایران آمد، و دومی از ایران به هندی‌ها رفت، و فردوسی این کار را در شرح روزگار نوشیروان یاد می‌کند از همین گونه داستان‌هاست. به‌گفتار راستا دطوس گوش فرادهمیم: ...

چنین گفت موبد، که یک روز شاه به دیبای رومی بیاراست گاه (= تخت) ...

چنین آگهی یافت شاه جهان ز گفتار بیدار کار آگهان

که آمد فرستاده شاه هند ابابیل و جتروسواران سند

شتروار با راست با او هزار همی راه جوید بر شهریار

پادشاه دستوری دهد که به استقبال فرستاده رای هند

بروند و او را به بارگاه آوردند: جو آمد بر شهریار بزرگ

فرستاده نامدار سترگ به رسم بزرگان نیایش گرفت

جهان آفرین راستایش گرفت گهر کرد بسیار بیش‌نثار

اباجترو با پیل و با گوشوار بیاراسته چتر هندی به زر

بر او بافته چند گونه گهر ... فراوان به بارانندرون سیم‌وزر

جواز متک و از عنبر و عود تر زیاقوت و الماس و از تیغ هند

همه تیغ هندی سرا سر برند ... شاه به فرمودتا هدیه‌های شاهانه و گران بهای رای هند را

به خزانه بردند. سپس فرستاده رای نامه فرمان‌روای

هندی را که بر حیرن‌نوشته شده بوده شاه ایران تقدیم داشت و همراه نامه:

یکی تخت * شطرنج کرده بونج تپی کرده از رنج شطرنج، گنج

چنین داد پیغام هندی ز رای که تا چرخ باشد تو با تپه‌های

کمی کو به دانش بگرد رنج پیش بفرمای تا تخت * شطرنج پیش

نهند، زهرگونه رای آوردند که این نغزبازی به جای آوردند

بدانند هر مهره‌ای را به نام که چون را ندبایدش و خانه کدام؟

بیاده بداند (= بشناسد) و پیل و سپاه رخ‌واس و رفتا رفتزین (= وزیر) و شاه

پس از آن می‌گوید اگر خریدمندان دربار شاه این بازی را دربار فتنه و درست به جای آوردند ما باج و خراجی که

شاه فرموده است به دربار خواهیم فرستاد. اما اگر دربار برداشتن ما تاب نیاوردند و در این مسابقه شکست

خوردند علاوه بر آن که دیگر از ما چیزی نخواهند؛ همان بازی باید بدیدرفت نیز

که دانش به از ما بردار جیبر فرستاده رای با این سخنان صفحه شطرنج و مهره‌های

دورنگ آن را که سفیدش از عاج و سیاه آن از چوب، باج * ساخته شده بود نزدیک شاه می‌گذارد. شاه پس از چندی نگرستن بدان‌ها از فرستاده دربار، صفحه شطرنج و مهره‌ها سئالاتی می‌کند و فرستاده می‌گوید شاه این میدان کارزار است:

چنین داد پاسخ کهای شهریار مهره‌ها را ز در (= شایسته) کارزار

بیابی، جوینی به بازی راه ره‌ورای و آرایش ورزشگاه

شاه از فرستاده یک هفته مهلت می‌خواهد تا معمای این بازی را حل کند و بدومی گوید که روز هشتم برای گرفتن

نتیجه به ایوان شاه بیاید. آن‌گاه شاه را خلوت می‌کنند. موبدان و دانایان به حضور شاه می‌نشینند و آن‌ها در عرصه شطرنج را در میان می‌گذاردند. مهره‌ها را به صورت‌های گوناگون در عرصه می‌چینند و با هم به گفتگو و شنیدن بسیار می‌پردازند. اما هیچ یک از آنان راه بازی

را نمی‌یابند. سرانجام پس از گذشت چند روز، همه با چهره‌های گرفته بارگاه را ترک می‌گویند. آن‌گاه (ظاهراً به فرمان شاه) بزرگمهر پادشاه می‌آید و

او را گرفته و تلخ‌گامی بییندوداستان را از شاه می‌شود: به‌کسری چنین گفت کای پادشاه

جهان را رویدار و فرمان‌روا من این نغزبازی به جای آورم

خرد را بدین رهنمای آورم نوشیروان بدو گفت: آری این کار را بر تو است، چه اگر

معنای این بازی کشوده نشود رای قنوج (= یکی از استان‌های هند) خواهد گفت که ایرانیان یک مورد

دانان نیز ندانند و این برای موبدان شکستی بزرگ و زشت، و برای درگاه و تاج و تخت پادشاهی و هفتی بزرگ

است. بیارورد شطرنج بوزر جمهر

براندیشه بنشست و بگشاد چهر همی جست بازی چپ و دست راست

همی راند، تا جای هر یک کجاست به یک روز و یک شب جوابی یافت

آز ایوان سوی شاه ایران شفاف چنین گفت کای شاه پیروز تخت

تکوچستم این مهره و تیک تخت شهنشاه باید که بیند نخست

یکی رزم گاه است گوئی درست سپس از شاه درخواست کرد که فرستاده رای را نزد خویش

بخواند تا راه و رسم بازی را ببیند. چون فرستاده رای هند به مجلس شاه آمد بزرگمهر از او پرسید که شاه هند از این مهره‌ها با توجه گفت؟

چنین داد پاسخ: که فرخنده رای جواز پیش او من برفتم ز جای

مرا گفت این مهره عاج و عاج ببرییش تخت خداوند تاج

پس از آن باقی پیغام رای را به شرحی که پیش از این آمد تکرار کرد.

بزرگمهر در برابر فرستاده رای تمام مهره‌های شطرنج و جایگاه و وظیفه هر یک را شرح می‌دهد:

بیاراست دانای یکی رزم گاه به قلب اندرون ساخته جای شاه

جب و راست صف بر کشیده سپاه بیاده به پیش اندرون رزم خواه

هشیوار دستور بردست شاه به رزم اندرونش نماینده راه

مبارز که اسب‌انگند بردوری به دست چپ و راست پر خاش جوی

وزا و برتر اسبان جنگی به بیای بدان تا کی آید به بالای رای

بیاراسته بیل جنگی دو سوی به جنگ اندرون همگان کرده خوی

جو بوزر جمهر آن سپه را براند همه انجمن در شگفتی بماند ...

چون توضیحات بزرگمهر دربار، شطرنج و آداب و رسوم غمی شد فرستاده هند سخت

بماند اندر آن مرد بیدار بخت که این تخت و تفریح هرگز ندید

نه از کار دانان هندو شنید ... انوشیروان بزرگمهر را تحسین و آفرین بسیار کرد و جای

پرا زگوهر شاه را رویک بدره پرا زدینا و آسبی با زمین و برگ بدودا دوازا و خواست که این پرسش رای هند را با سخنی

شایسته آماده کند. بزرگمهر برفت و در تاریکی به گوشه‌ای نشست تا بتواند

بهنرا ندیده خود را گرد آورد و دقیق تروبا ریسک تر بیندیشد.

درون آن تاریکی جای در اندیشه روشن خویش به شطرنج هندوان درنگریست و ساعت‌ها رنج روان را بر

خود هموار ساخت و: خرد بادل روشن انبار کرد

به اندیشه منرد را ساز کرد نخست دستور داد تا دومهره مکتب شکل از عاج بسازند و نقطه‌های سیاه رنگ بر آن بنشانند. فردوسی شرح جزئیات تخته‌نرد و مهره‌های آن و نیز آنچه را که امروز طاس می‌نامیم (و نام اصلی آن گنبتین است و چون آن را در طاس کوچکی می‌انداخته‌می ریخته‌اند کم‌کم نام طرف به منظور داده شده است، کعبتین به معنی دو مهره مکتب شکل است) در داستان خود یاد کرده و روش بازی را نیز آشکار کرده است. شاعر فردوسی سندی است معتبر و هزار ساله در باره بازی نرد و روش آن که ارزش تاریخی فراوان دارد. بیستی چند آن را می‌آوریم:

به تندی بیاراسته جنگ جوی یکی را چونها بگیرد دوتن

بر آن یک تن آید ز هر دو شکن به هر جای گردش زگشت سپاه

گرازان دوشاه (= طاس) اندر آن رزم‌گاه همی این بدان آن بدین برگشت

گهی رزم کوه و گهی رزم دشت بر این گونه تا بر که آید شکن

شدندی سپاه دوشاه انجمن بدین سان که گفتم، بیاراست نرد

بر شاه شد، یک به یک یاد کرد ... وقتی بزرگمهر نرد را به شاه بنمود و روش بازی آن را شرح

داد شاه از آن خیره ماند و او را بسیار بستود و فرمود تا دوهزار ساله نرد شهربار آوردند و کالاهای

روم و چین و هیتال و مکران و ایران زمین را از گنج‌شاه بر آن‌ها بار کردند. چون این کار ساخته شد، فرستاده رای را بخواند و نامه‌ای به رای هند نوشت که در آن پس از

مقدمت‌های نام‌های درباری گفته بود: این موبد هوشمند را با دوهزار شتر و ربا زرگان نزد شما فرستادیم

و بر جای شطرنج نرد را بنهادیم تا چه‌کس تواند آن بازی را به جای آورد. در مجلس رای بر همان نرد فراوانتند و امید که به دانش خود این بازی را دربار بندها آنگاه

نتوانستند: شتروار بیاید که هم زین شمار

به بیمان کند رای قنوج بار کند بار همراه با بار ما

بر این است بیمان و بازار ما بزرگمهر روز دیگری نامه شاه و بارهای کالوتخته‌نرد

به سوی هند رفت و به دربار رای هند رسید و نامه و پیام شاه و تخته‌نرد را بدو رسانید. رای نیز هم بدان قرار

هفت روز برای حل این بازی و یافتن راه آن مهلت خواست. اما بر همان هشت روز وقت گرفتند و سرانجام

پس از آن بازی را کشودن نتوانستند. روز نهم بزرگمهر به دربار رای هند آمد و گفت شاه ایران پیش از این ما را

درنگ نفرموده است. بر همان ناگزیر به نام دانشی خویش آقا کردند:

جو بستید، بنشست بوزر جمهر همه موبدان برگشادند چهر

بگسترد پیش اندرون تخته‌نرد همه گردن مهره‌ها یاد کرد

سپدار بنمود و جنگی سپاه هم آرایش رزم فرمان شاه ...

همه مهتران آفرین خواندند و را موبد پاک دین خواندند

زهر دانی زو بپرسید رای همه پاسخ آمد یکایک به جای

خروشی بر آمد زندانندگان زندان بیروهان و خوانندگان

که اینست سخن گوی داننده مرد نه از بهر بازی شطرنج و نرد ...

باقی داستان روشن است. رای هند آنچه را که خسرو انوشیروان خواسته بود به همراه بزرگمهر به ایران

می‌فرستد و ایرانیان در این نرد دانش و خردند نیز پیروزی شوند. مضمون نامه‌ای که رای به شاه ایران

می‌نویسد بسیار جالب توجه است: که رای و بزرگان گواشی دهند

به ازیم، از نیک را می‌دهند که چون شاه نوشیروان کس بدید

به از موبدان سیزه‌گر کشید نه‌کس دانستی ترزدستور اوی

به دانش سپهر است گنج‌وراوی فرستاده نند باز یک سالدیش

و گریستن باید، فرختم پیش از دردنیا له: این داستان، استاد طوس داستان‌نویس

نیز در باره بدید آمدن شطرنج می‌آورد. آن داستان، که در نامه‌ها به داستان گویند "معروف است

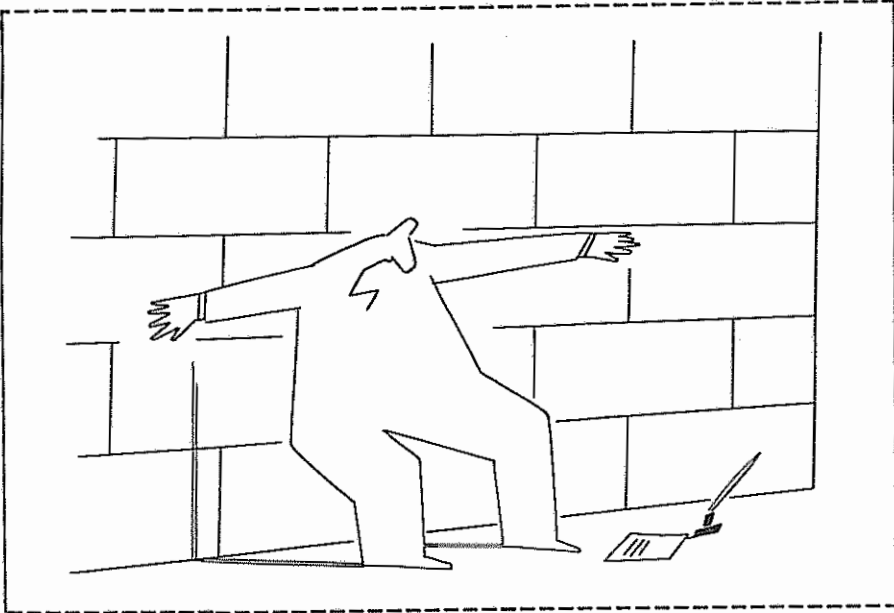
تفصیلی‌دا روش شرح آن مجال جداگانه می‌خواهد. در

بایان این گفتار را بدید گویم که وزیر نامور انوشیروان،

بزرگمهر شگفتی نیمه‌افسانه‌ای و نیمه‌خرد بادل روشن انبار کرد

بقیه در صفحه ۹

تبهکاری اجتماعی



مساحتی گردها، تاه شیربازا رنده
چندان نخواست هداشت. از این گذشته،
هرچند که در جمهوری اسلامی انگشت
دزدان را قطع می کنند و برای این کار،
ماشینی هم اختراع کرده اند، ولی دستها
از درون رژیم به سرعت اموال مردم نیز
به قدرت بلند می شود. به هیچ وجه
نمی توانند تصادفی باشد که غلبه
تبهکاران بر به وسیله ما، موران شهرانی
با زاندا رمری کشف می گردد، نیز به
هیچوجه تصادفی نیست که زاندا انقلاب
تاکنون، هرچند که یک بار، دزدان خود را
به لباس افرا دکمیته یا سپاه درمی آورند
و به جان و مال مردم دستبرد می زنند.
کارگران رژیم می گویند که این، کار
خدا انقلاب است، ولی اگر فرصتی کنند و
سروگوشی در میان مردم آب بدهند، بروشنی
درخواستند که کدکد میک به دزدی و تجاوز
شهره اند؛ انقلاب یا خدا انقلاب!

بزرگی ایران شایده و خامت تهـزان
نبا شد، اما به آن انداز هست که تبهکاری
اجتماعی را به عنوان یکی از انگیزه های
اصلی نگرانی مردم سرا سرا ایران مطرح
سازد.
در نخستین نگاه، این همه جناحیت در رژیمی
که یکی از سخت ترین قانون های مجازات
عمومی را وضع کرده است، حیثیت آور
می نماید. کسی که قانون قصاب رژیم را
خوانده باشد، از آن همه وسواسی که در
تدوین جزئیات آن نیز یکا رفته است،
ناید چنین نتیجه گیری کند که رژیم اسلامی
به تبهکاری حساسیت بسیار نشان می دهد،
ولی این نتیجه گیری اشتباه است. امتیاز است
رژیم به تبهکاری حساسیت با شدنی باشد،
به هر حال وساطتی که انتخاب کرده است،
نه تنها منبیتی در جامعه بوجود می آورد،
بلکه محیط اجتماعی ایران را از همیشه
ناامن تر کرده است.
قانون قصاب اگر مدبارم خشن تر و
قصاصت آمیزتر از این تدوین کرده، مادام
که زمینه اجتماعی جناحیت پیوسته

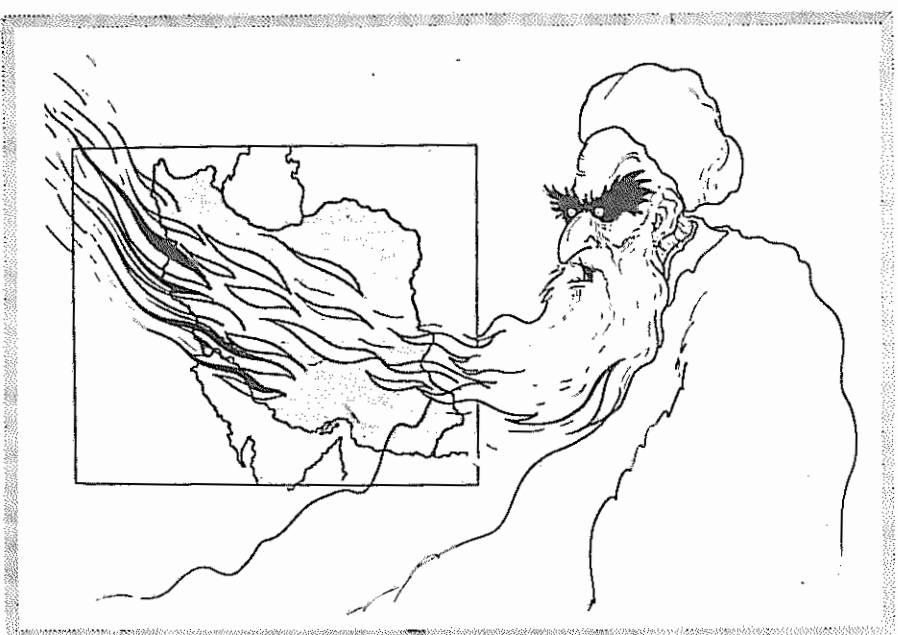
ساختمانی برای سرت پول، با کار
به چهارتن از دوستانش که با هم در یک
اتاقک منزل داشتند، حمله کرد، دوتن از
آنان را با جاکت و دوتن دیگر را بشدت
مجروح کرد. مورد دوم: "اعضاء باند
راکی" که به عنوان گشت کمیته شب ها
وجوه نقد و اشیاء قیمتی مردم را به
سرقت می بردند، به وسیله ما، موران
آگاهی تهران دستگیر شدند. مورد سوم:
ریا پندگان نوجوانی ۱۴ ساله که قصد
داشتند از والدین او ۶۵ هزار دلار اخذی
کنند، توسط ما، موران تجسی شهرانی
رشت شنا سائی و دستگیر شدند. مورد
چهارم: "سه سارق درده ونگ به خاتمه"
پیرمردی وارد شدند، او را خفه کردند و
اتاقخانه او را که ۵۰ هزار تومان
قیمت داشت، به سرعت بردند. این تهمان
نیز به وسیله شهرانی دستگیر شدند.
مورد پنجم: "دوکارگر مسافران" که
در خیابان ناصر و تهران، مسافری را
به خاطر ۱۵۰ هزار تومان پولی که داشت،
کشتند و جسدش را در کوچه عربی های تهران
انداختند. عاملان این تبهکاری نیز
به وسیله ما، موران کلانتری ۱۳ تهران
شنا سائی و دستگیر شدند. مورد ششم:
"دزدان مسلحی که کامیون حامل روغن
نیابتی را پس از زکشتن راننده، آن
ربودند، به دام افتادند." مورد هفتم
و هشتم ونهم مربوط به جعل اسناد، خرید
و فروش کوبین ارزاق عمومی و اختلاس از
صندوق یک میهمانخانه است که اکنون
موضوع گفتار ما نیست.
تا زه اینها جناحیت هائی است که پس از
کشف، در رسانه های همگانی منعکس
می گردد. گزارش از منابع موثق حکایت
از آن دارد که در تهران هردقیقه یک
جناحیت اتفاقی می افتد. وضع در شهرهای

در ایران امروز، تبهکاری اجتماعی
دامنه ای چنان گسترده یافته است که با
هیچ یک از دوره های تاریخ معاصر ایران
قابل مقایسه نیست. تبهکاری بیگمان
دارای ریشه های روانی - ارشی نیز
هست، ولی زمینه ای که در آن رشد می کند
و به صورت مصیبتی درمی آید، اجتماع
است. در سطح جهانی، در کشورهای مستمند
و محروم، نرخ تبهکاری بسیاری بالاتر
است تا در کشورهای ثروتمند. حتی در یک
شهر، ناحیه ها و محله های فقیرنشین، از
تبهکاری اجتماعی بیشتر رنج می برند
تا محله های ثروتمند و مرفه.
هر آینه، تبهکاری مساهله ای نیست که
فقط بتوان با آن از راه های قضائی
مقابله کرد. اما دادگستری قصاب در رژیم
تهران، یک سره چشم برجسته اجتماعی امر
فروسته است و فقط آن را در مقوله حد و
تعزیر و قصاص می نگرند.
مساهله اکنون این است که حدود تعزیر و
همه آنچه در قانون قصابی به اصطلاح
اسلامی خلاصه شده است، تا کدام باید در
کاهش نرخ تبهکاری اجتماعی سهمی
داشته است. واقعیت این است که
تبهکاری نه تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه
افزایش نیز یافته است. مجازات ها
هرچند سنگینتر و زیاده ای جیات بسیار
قصاصت آمیزتر از همیشه شده اند، ولی
منحنی تبهکاری همچنان قوس صعودی
می بیند.
تصادف "صفحه حوادث دوشمابه روزنامه
کبکان چاپ تهران)، یکی مورخ
بمختص ۲۲ آبان و دیگری مورخ دوشنبه
۲۶ آبان، را مرور کرده ایم. موارد ارتشا
با اختلاس رانان دیده گرفته ایم. فقط به
آن تبهکاری ریشه ای پرداخته ایم که انسان،
موضوع آنهاست. مورد اول: یک کارگر

سفید شده است و کاخ نشینان برای توجیه
شکست خود علیه جمهوری اسلامی تبلیغات
می کنند، ولی بلاد رنگ از "توجیه دیگری
سخن می گوید که روسای آن برای خود
اورژیم دغلاکاش می ماند. می گوید:
"... مع الاسف بعضی از کسانی که از
خودمان هستند، به تبع آن ها، به تبعیت
آن ها... اینجا تبلیغ می کنند. من
نمی خواهم... اسباب افسردگی اشخاص
شوم، لکن می خواهم عرض کنم چرا ما
اینقدر عقب افتاده هستیم؟ چرا ما باید
به واسطه اغراض نفسانیات اینقدر
خودمان را بیا زیم؟ وقتی که این همه
تزلزل به آن ها دست داده است برای
بی اعتنائی ایران به کاخ سفید،... چرا
ما باید توجیه کنیم مسائل آن ها را؟ چرا
ما باید اینقدر غریب زده باشیم یا
"شیطان زده"؟..."
از همه سخنان افشاگرانه امام جاران
به روشنی برمی آید که اگر یک سوی این
رسوایی بزرگ دامن دولت مردان کاخ
سفید گرفته است، سوی دیگر آن، لوزه
برستون های پوسیده رژیم فریبکار و
افکنده است. دیگر با هیچ نطق و
خطابه ای، با هیچ ترغیب و تحلیلهای
نمی توان این رسوایی تاریخی را جمع و
جو کرد.

محمود خوشام

شیطان زدگان!



رادیو ایران ساعت های پختی برنامه

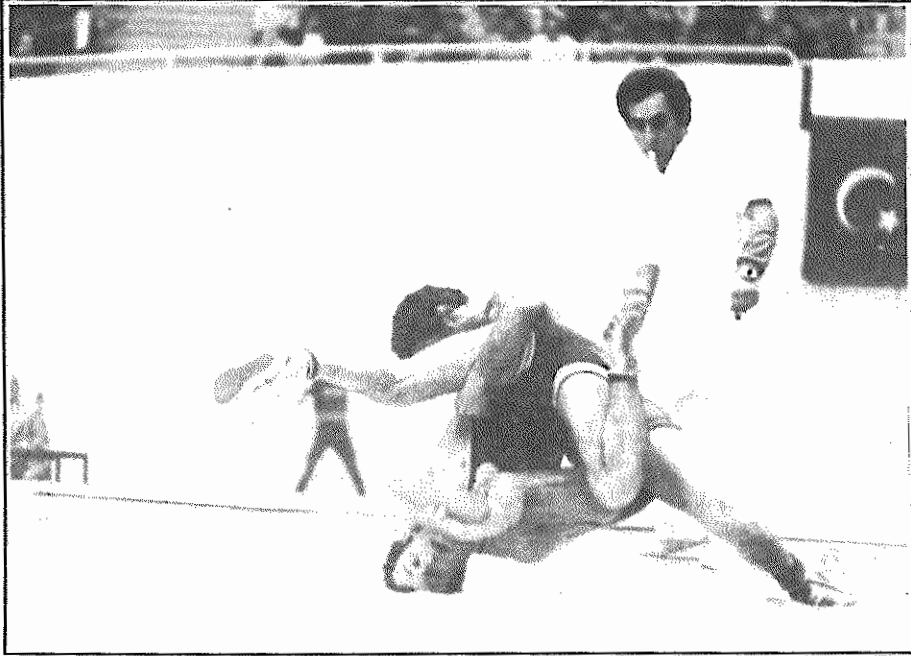
برنامه اول
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به
وقت تهران: روی امواج کوتاه ۱۵۶۵ کیلو
رادیوهای ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلو
هرتز)، ۳۱ متر (فرکانس ۹۵۸۵ تا ۹۵۹۲
کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰
کیلوهرتز).
برنامه دوم
ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کوتاه
رادیوهای ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلو
هرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۹۲۰۰ کیلو
هرتز) ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت
تهران روی امواج کوتاه رادیوهای ۲۱
متر (فرکانس ۹۲۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱
متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).

همه آن ها هستند که خواب جا نشینی
"ولایت فقیه" را می بینند و پوست خربزه
زیر پای شیخ نجف آبادی می اندازند.
خمینی در سخنان خود برای آنکه دقیقاً
"خودی" را رسوا کند، حساب "نق زنان"
همیشگی را جدا می کند. می گوید:
"... این اشخاص بعضی شان در نظرم
بویچند لکن از بعضی دیگر که سابقه دارند
هیچ توقع نداشتم... که در این زمان
که با بدفروا دبزنند سرا مریکا، فریب داد
می زنند سر مسئولین ما... چه شده
است؟ شما ها چنانست؟ چه کرده اید
شما ها؟ شما ها چرا با بدتحت تاه شیسر
تبلیغات خارجی واقع بشوید یا تحسیت
تاه شیرات نفسانیت خودتان؟..."
خمینی ادعا می کند که "مگ فارلین" را که
گویا قا قاتی و با سیورت جعلی به تهران
آمده بوده، با رسوائی بیرون کرده اند
و همین ماجرا سبب انفجاری در کاخ

دوستان "شیطان بزرگ" را - که سه از
مجران و دست اندرکاران رژیم فریبکار
اوهستند، افتنا می کند. می گوید:
"... شما انصاف بدید که در یک همچ
وقتی، و وقت چنین اموری است؟ وقت
یک چنین تائیدی است از کاخ سفید؟
وقت یک همچ تائید است از ریگان؟..."
لحن شما در آن چیزی که به مجلس دادید،
از لحن اسرائیل هم تندتر است! از
لحن خود کاخ نشینان آنجا هم تندتر
است!!"
این "شما یان" چه کسانی هستند؟ شیخ
رفسنجانی است که دودوزه بازی های پیش
را "بچه بگتسی" ها نیز دریا فتاده اند و این
او را خراج سبزش را زیر عبا پر نورتر
می تاباند. آن دیپلمات "بارانی دزد"
مقیم سازمان ملل است که از تغییر موضع
شیطان بزرگ کلی دست افشانی می کند.

اما حماران، درست مثل همیشه، سر بزنگاه
سکوت خود را شکست، تا تا بدیکار دیگر
بتوانند سکان کشتی شکسته و در تلاطم افتاده
"ولایت" خود را بجز خاندان خود صفا می دیگر
بردریای خدعه و مکر و نیرنگ پیش برند.
در این چند هفته ای که از رسوائی ارتباط
بینانی با "شیطان بزرگ" می گذرد
کار خراجان جمهوری ولایت، آنچنان
ضد و نقیض می افتند و تقدیر به شیوه سنتی
اما خود، توی دهان یکدیگر کوبیدند،
که دیگر جان بی رمق رهبر خود را به لب
رسا نیدند و تاش غیظ و غضب او را شعله ور
ساختند. تا اینجا قضیه، آنچه که
پیش آمده است نه می سابقه است و نه
شگفت آور. این از شگردهای مکرر به کار
گرفته شده خمینی است که، به محض آنکه
می بیند یکی از گروه های تشنه قدرت
برای مچ گیری ولجن مالی کسردن آن
دیگری از حد متعارف فراتر می رود، بر
ایوان حماران ظاهری شود و محکم توی
دهان می کوبد.
اما آنچه در این نوبت، در ماجرای این
رسوائی فراگیر، رفتار او را متعسف و
می سازد آنست که خواسته و ناخواسته بر
جوانب مختلف ماجرا صحنه می گذارد و
مسئولان حکومت خود را به خیانت متهم
می سازد.
خمینی این بار، لجن جمهوری اسلامی،
این رژیم نه غربی نه شرقی را که شعار
"مرک بر آمریکا" زده اند نمی افتد،
آنچنان بهم می زند که بسته ترین مشام ها
نیز از این بیداش بهره مندی شود.
خمینی تا شید می کند که "مگ فارلین" به
ایران سفر کرده است. خمینی تا شید
می کند که آخوندها در جناح های تندرو و
کندرو در برابر هم جنبه گیری کرده اند.
خمینی تا شید می کند که تفرقه و دودستگی
در میان ملایان شدت گرفته است. و سرانجام
خمینی تا شید می کند که گروه مقتصدی
از آخوندها که حتی مورد اعتماد دو اطمینان
آبوده اند، سروسری با شیطان بزرگ
داشته اند.
خمینی به مناسبت مصحح "هفته وحدت"
خطابیه رسوائی رژیم خود می گوید:
"در یک همج روزی که روز هفتاد وحدت
است، چرا شما می خوا هید تفرقه ایجاد
کنید؟ چرا می خوا هید بین سران کشور
تفرقه ایجاد کنید... حنده است
شما را؟ کیا دارید می روید؟ حیرت از
همه...
خمینی سس از این هم پیش تر می رود و

سرگرمی دو ساله مرکز آمار ایران



نیا مده بودا زاین امکانا ت به... می گرفت تا اینکه با نا بودا ختن این وسایل تحت شعرا رمبا رزه با امپریا لیسیم جها نخواستی سا ختن مستکبرین وبستن رشته مزبور دردا نشگاه، گسار بجای رسیده است که رئیس مرکز آمار ایران به عجز دستگا ه خود درندا شستن ماشین های محاسبه و متخصصین مربوط اعتراف می کنند و خذنتا یج سرشمارای را به دوسال دیگر حواله می دهد.

اگرچه ضعف و نارسایی نسبی در مسائل آماری و آمارهای رفا م در سال های گذشته نیز وجود داشته ولی از سال ۱۳۴۵ مرکز آمار ایران که به عنوان یگانها دوتولید کننده آمار و اطلاعات کشور بشمار میرفت پایه گذاری شود و زیر چتر سازمان برنامو بودجه کشور فعالیتش را آغاز کرد. بندر یج سعی برای این بود که از واقع موجود در این زمینه حتی المقدور کاسته شود که اگر ایده آل نبود ولی در راه کمال پیبش می رفت.

معاون وزیر مشاور و رئیس مرکز آمار ایران در جمهوری اسلامی آقای دکتر مجید جمشیدی در مصاحبه ای با روزنامه اطلاعات هیجدهم مرداد ماه ضمن بر شمردن اهمیت آمار و اینکه "آمار و اطلاعات تکیه گاه های ملی برنا مریزی برای توسعه بشمار می رود" که سخنی است منطقی و اصولی گفت "با مقدما تی که از چندی پیش فراهم شده است از این نزد هم مه رما ه سال جاری به مدت دو هفته سرشمارای عمومی در سرتاسر کشور انجام خواهد گرفت." نامبرده اگرچه کل مسدت سرشمارای را تنها دو هفته کافی دانسته است ولی بلافا صله ا غا ف کرد: "از آنجا که سرشمارای عمومی عظیم ترین کار آمارای هر کشور است و استخراج نتایج آن به زمان و ماشین های کامپیوتری و الکترونیکی نیاز دارد و با دست و منگیز غیر مسلح نمی توان به سراغ این آمارهای وسیع رفت به لحاظ اینکه ما در استفاده از ماشین های کامپیوتر و متخصصی در این رشته محدودیت داریم، لذا نتایج استخراجی از سرشمارای عمومی تا دوسال پس از پایان سرشمارای یعنی پایان مه رما ه سال ۱۳۶۷ مشخص خواهد شد."

تیم قهرمان

بزرگی مثل آمریکا، شوروی، بلغارستان و ترکیه نتوانست کاری بکند و سورا فکننده به تهران بازگشت. نه به علت کوتاهی ورزشکاران، که اینها همان فرزندان عزیز ایرانند، بلکه به این علت، که ورزشکاران اکنون در چهار رجب حزب الله زندانی شده اند. ثناء شیر حزب الله تا آن حد بود که حتی در مسابقات پاکستان هم با ختم بهیسا د می آرم که عبدالله موجود چهره ای بزرگ کشتی دنیا و المپیک، وقتی می خواست در مسابقات جهانی شرکت کند، قهرمان آمریکا به قهرمان شوروی گفت مدال نقره را من می گیرم و مدال برنز مال تو. آنها سر مدال طلا حرفی ندا شتند و آنرا به طور قطع متعلق به موحدی دانستند. فقط سرنقره و برنز دعوا می کردند - حالات تیم کشتی ایران به پاکستان هم می زد...

به ضمیمه ای این نامه، عکس خودم با حریف شوروی را در مسابقات جهانی، تقدیم می کنم.

روزنامه ای قیام ایران درست در همان روزهایی که دکتر شاپور بختیار با شجاعت زاید ا لوصفی نخست وزیر ایران را پذیرفت، و ایران در آتش می سوخت، تیم کشتی آزاد ایران رهسپار مسابقات جهانی مکزیک شد، و در همان حال و روزگار، تیم کشتی ایران، قهرمان سوم جهان شد. و این امتیاز میان تیم های شرکت کننده از قاره ای جهان به دست آورد، و با وجود اعتصابات و نا راحتی های داخل کشور، آمادگی خود را حفظ کرده بود. و خوشبختانه این افتخار را به دست آورد که حریفان خود را با ضربه ای فنی و یسا بسا امتیاز مطلوب کند و کاب مقام سوم جهان را نصیب خود سازد. که متاء سفانده دیگر فرصت این را نیا فتم که قبل از رفتن می خیم، خدمت دکتر بختیار نخست وزیر ایران برسیم. این موقعیت تیم کشتی ایران در آن زمان بود.

حال می شنویم که تیم کشتی ایران، در مسابقات جام آسیا، برغم غیبت حریف های

احمد رضا شی

بیشرفت های آمار، تنها امدادهای غیبی و رهنمودهای امام امت و اندر زهای اما ما ن جمعه تا شیر قاطع داشته اند نه اقدامات آقایان وزرا!

در این رابطه مشغول بررسی است و پیشنها دنده است به جای اعزام دانشجویان، استاد مربوط به کشور دعوت شود.

فعالیت ها نیست که طی ۵ سال گذشته صورت گرفته... وزیر راه مدعی است که راه های ساخته شده در این رژیم پنج برابر راه های ساخته شده در زمان گذشته است... وزیر نیرو میگوید افزایش برق را ۳ برابر می کند... می دانند و عجیب آنکه در همه این

در صورتی که امروزه رژیم هنوز نمیداند جمعیت پایتخت چه تعدادی است، چند روستا از سکنه خالی مانده، نسبت روستایی به شهری چه میزان است و یا اصولاً چه مقدار تولید و برداشت در سطح روستاها داریم و نیا زخوراک مردم تا چه حدود است و... بعلمت همین نارسایی ها است که مسئولین و دست اندرکاران رژیم نیا خود آگاه مطالبی از "زبان آمار" جاری می سازند که نتیجه آن جز تسمخ و پوزخند مردم نتیجه دیگری ببار نمی آورد و مسلماً "با تاریخی که آقای جمشیدی برای تعیین نتایج قطعی سرشمارای عنوان کرده اند می باید منتظر شنیدن این چنین سخنانی از زبان سرمداران با شیم البته اگر رژیمی تا آن زمان وجود داشته باشد.

در این زمینه ذکر چند نمونه از بیسن گفته ها که فی بنظر می رسد:

نماینده کوه دشت در سخنرانی قبیل از دستور خود در مجلس شورای اسلامی می گوید: "تمام آمارهای وزارت کشاورزی حتی یک نفر را برای یک نوبت غذا هم سپر نمی کند" و از سوی دیگر نماینده با سسل در ۱۹ اردی بهشت ماه ۶۴ به دنده دیگر افتاده و یکبار به اعلام می کند "آمار و ارقام بودجه ما به تنهایی از بودجه کشور چین با یک میلیا رد جمعیت بیشتر است. این ارقام به تنهایی حتی از بودجه کشور ترکیه و هندوستان با بیبش از یک میلیا رد جمعیت بیشتر است!"

توجه به گفته های مسئولین رژیم در هفته دولت نیز که از روز ۲۴ مهر سال ۱۳۶۴ به مدت یک هفته در تهران تشکیل شد خود گویای حقایق است که روشن میسازد چگونه حتی مقامات بلندپایه دولتی نیز از روی هوی و هوس و بدون کمترین پروا تی آمار و ارقام را به مسخره گرفته و اطلاعات بدون محتوایی بخورد مردم می دهند.

آقای رفسنجان رئیس مجلس شورای اسلامی در این جلسه می گوید "خدمات شش ساله رژیم بر بروحتی بیشتر از

ایران کمی بیش از ۴۸ میلیون نفر است و همینطور نتیجه گیریهای دیگر، اما آنچه که در این اقدام قابل بررسی است اینک که اگر طبق موازین علمی "برنا مریزی بخاطر سرسره در هر مملکتی بعنوان اساسی ترین حرکت های اقتصادی و اجتماعی هرجا مع بشمار می رود و برای اجرای آن ضرورتاً به ارقام و آمار دقیق نیاز است، پس بنا به گفته آقای جمشیدی، بخاطر اینکه مرکز آمار ایران دسترسی به کامپیوتر ندا شته و متخصصین در این زمینه در اختیار ندا رند، می باید حرکت و تلاش برنا مریزی در ایران برای مدت دوسال معوق بماند تا پس از انتشار نتایج حاصله که لابد محاسبات مربوط به کمک چرتکه و دست و مفرها ی غیر مسلح صورت خواهد گرفت، قدم های بعدی برداشته شود. دوسال انتظار که معلوم نیست رویدا ده چهره سرنوشتی را برای فردای رژیم رقم زده است.

در دنیای امروز ما هدهستیم که دانشمندان کشورهای پیشرفته شبانه روز آمار و اطلاعاتی تازه از ما می پدیده های جهان تهیه و تنظیم می کنند تا مسئولان حکومت ها بر اساس آن ها سرنوشت دنیا را تعیین نمایند و در این زمینه بدون تردید پیروزی از آن کسانی خواهد بود که آگاهی و آمار صحیح تری در دست داشته باشند. گذشته از مالک پیشرفته، بهره گیری از آمار و روشنش آنها به کمک ماشین های کامپیوتر و دستگا ه های الکترونیکی حتی در بسیاری از کشورهای جهان سوم نیز در زمره یکی از ضروری ترین وسایل زندگی در آمده است و ایران ما نیز تا وقتی که کامپیوتر توسط آوندها جزء عوامل استکبار جهانی بشمار

پرونده های ساواک

هفته نامه "نوول اسپروا تور" چاپ پاریس نوشت: احتمال افشای پرونده های ساواک در باره سوا بق ملاحا بشست آوندهای جمهوری اسلامی را به لاسرزه در می آورد. در این پرونده ها، اساساً می آوندهای حقوق بگیر: زساواک ذکر شده است. به نظرمی رسد که این پرونده ها به چنگ با ندمنتظری افتاده است که مخالف مذاکره با آمریکا هستند.

نوول اسپروا تور می افزاید: اعضا، سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی به تحریک آوندها منزل منتظری را در غیبت او برای بدست آوردن این پرونده های تفتیش کردند، اما چینی بدست نیا وردند.

ارز دانشجویی

در تهران گفته شد به زودی ارز دانشجویی به مقدار زیادی کاهش خواهد یافت و ارز بسیاری از دانشجویان ایرانی در خارج قطع خواهد شد.

چندی پیش آئین پور معاون دستمان عمومی تهران و سرپرست داسرای فرودگاه مهرآباد بسیاری از دانشجویان خارج از کشور را متهم کرده که با جعل مدارک از سوء ساست آموزشی ای که وجود خارجی ندا رد از در دریافت می کنند، وی تهدید کرده بود که این دسته از دانشجویان تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

موسوی اردبیلی رئیس شورای عالی قضائی جمهوری اسلامی نیز در مراسم نماز جمعه ای ام آبان ماه تهران، برداشت ارز به دانشجویان ایرانی در خارج از کشور را مورد انتقاد قرار داد و گفت: این افراد با پول این ملت علیه نظام شعما ر می دهند، یا بیدا زخا تمه تحمیل به کشور با زنی کردند، وی افزود: وزارت علوم

روابط پنهانی

سوی برخی از نمایندگان در چند مسورد دیده شده است، به اعتبار مجلس خدش وارد نخواهد شد؟

یادآوری می شود رژیم ولایت فقیه، از آغاز عمر مجلس شورای اسلامی تا کنون، چندین نماینده دست چین شده خود را برکنار ساخته، فراری داده یا زندانی کرده است.

آخرین نماینده مورد غضب قرار گرفته که زندانی شده است، احمدکاشانی است. وی به اتهام توطئه در ارتش چندی پیش بازداشت شد و رژیم تا کنون هیچ خبر دیگری درباره وی منتشر نکرده است.

احمدکاشانی قبل از دستگیری، در جلسه ۸ آبان ماه مجلس، از وزارت کشور، در باره حمله به مطب پزشکان افغانستان در جریان اعتصاب های تابستان گذشته توضیح خواسته بود و محتشی وزیر کشور وی را به طرفداری از ضد انقلاب متهم کرده بود.

در پی سخنان شدیدالحن آیت الله خمینی در ۲۸ آبان ماه در ارتباط با تن آزمانندگان مجلس شورای اسلامی که طی نامه ای از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، خواستار توضیح در باره روابط پنهانی برخی زسبران جمهوری اسلامی با مقام های آمریکایی شده بودند، روزنامه ارگان حزب خا منه ای - رفسنجان، در سرمقاله دوم آذرماه خود این عده از نمایندگان را مبتلا به بیماری شیطان زدگی نامید و آن ها را اسیرداسیس و اغفال شده شیطان دانست.

روزنامه جمهوری اسلامی نه تنها این عده از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بلکه آن دسته از آن ها را که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی از عملکردهای رژیم اسلامی، انتقاد کرده اند، بیمار شیطان زده خوانده است.

روزنامه میا دنده، نوشته است: آیا با حرکتی که در یک سال اخیر به تناسوب از

بیان کبیر خواست از طرف دادستان

اظهارات دادستان در تشریح کبیر خواست علیه دکتر مصدق و سررتب ریاچی طی جلسه (از ۲۵ آبان تا ۲۵ آذر ۱۳۳۲) به دراز کشید وی در آغاز سخن "نیایش به درگاه خداوند" نمود و از "ارواح طیبه اولیای اسلام" مسدد خواست تا به اشتقا مجوسی از مظلومان که "شربیت شهادت نوشیده اند و ارواحشان با ارواح اولیای اسلام محشور است" در اجرای وظیفه خود یعنی "کندن ریشه" بیدینی و بی ایمانی، شبکاری و خیانت به کشور و ملت ایران توفیق حاصل کند. وی پس از ادای یک سلسله عبارات مقدسه نما بلافاصله علی رغم آداب و رسوم دادگاه به سطح ناسزاگویی نسبت به متهم تنزلی کرد و از جمله او را شبکار، جانی، و "دارای درجه" دکترا در تمام فنون شرارت و جنایت "و همکارانش را" یک مشت رجا له" خواند.

دادستان طی اظهارات خود سعی کرد تا تنها ماتی را که طبق کبیر خواست نسبت به دکتر مصدق عنوان کرده بود با ذکر بعضی تفصیل به صورت حقایق آشکار و غیر قابل انکار جلوه دهد. تفصیل مزبور مربوط به موضوع های زیر بود که در بخش های دیگر توضیح داده می شود: عدم اطاعت فرمان عزل، بازداشت افراد نظای غیر نظای بعد از رویت فرمان، صدور اعلامیه روز ۲۵ مرداد، مبادرت به رفرا ندم و انحلال مجلس، ترتیب میتینگ ها، ابراراد نطق ها، دادن شعارها و نوشتن جملات ضد سلطنت بر دروا دیوار، نشر مقالات علیه سلطنت و به منظور برقراری جمهورییت، مخا بره تلگراف های توهین آمیز نسبت به شاه، طرح فروریختن مجسمه ها، برهم زدن قسا نون داداری و کبیر ارتش، دستور حذف نام شاه از دعای صبحگاه و شامگاه ارتش. دادستان همچنین اشاره به سرمقاله های روزنامه های با خترا امروز (ارگان حزب فاطمی و منتسب به دولت)، جبهه آزادی (ارگسان حزب ایران)، شپا ز (ارگان جمعیت ملی مبارزه با استعمار)، آبا دانا (ارگان حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم) و روزنامه ارگان نیروی سوم نمود که همه به عبارات مختلف شاه را "خائن" - "فراری" و "جنایتکار" خوانده و خواستار برقراری جمهورییت شده بودند و مخصوصا "این عبارات را از سر مقاله با خترا امروز نقل کرد که" فراری بخدا دنوکری و بردگی انگلیسی را برپا داشته ای ملت خودت را جیح داد". دادستان برای اثبات آنها می که علیه دکتر حسین فاطمی عنوان کرده بود مواردی ا و را که هنگام برگزاری میتینگ ۲۵ مرداد ضبط شده بود به گوش حاضران در دادگاه رساند. با آنکه هر با دکتر مصدق اشاره به زمان های گذشته میکرد دادستان زبان به اعتراف می گشود و رئیس دادگاه و دکتر را از ادامه سخن منع می کرد ولی دادستان خود نشه تنها در مورد سابق زندگی و احوال دکتر مصدق و رویدادهای زمان حیات او و مانند کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بلکه حتی در باره اوضاع و رویدادهای یک قرن پیش از آدانه و بدون هیچ گونه اعتراف از جانب رئیس دادگاه داد سخن می داد. از جمله تقریبا "تمام وقت سیزدهمین جلسه صرف همینگونه اظهارات او شد که از دوران سلطنت محمد شاه با دکر در قلم مقاسم را با حاج میرزا آغاسی مقایسه نمود، صحبت از تقاضای دالگاروکی مشهور درسیاست روس نسبت به ایران به میان کشید و حتی خاطره شخصی به نام حکیم احمد گلای را بعنوان "سر حلقه اهل عرفان و جدا غلای سبهدز اهدی" ستود. او در تحریک دادرسان به محکوم نمودن دکتر مصدق (هر چند احتیاجی به چنین تحریک نبود) و حتی تحریک تماشاگران علیه مصدق از هیچ نکته فرو گذار نکرد و مخصوصا حربه تکفیر را به کار برد

او گفت: "مصدق ایمان به روزمیداء و معاد نداشته ارد"، "رساله ای بر ضد دین مبین اسلام نگاشته است"، "او ایمان و مذهب ندارد و فریبی ایمانی است"، "اعمالش جز خیانت به مذهب اسلام نبوده است".

دکتر مصدق در جلسه یازدهم به این قبیل اظهارات دادستان اعتراض کرد و خطاب به رئیس دادگاه گفت: "شما به دادستان اجازه دیدن مرا بی دین معرفی کردید و مرا بی دین در اینجا ازین بپرند... مرا خواهند کشت، شما مسئول جان من خواهید بود". رئیس دادگاه فقط در جواب گفت: "بسیار خوب. با زدر جلسه چهاردهم دکتر مصدق گفت: "دادستان حربه تکفیر مرا بدست گرفته اند. دادستان حق ندارد راجع به این موضوع صحبت کنند. من مسلمانم، خانوادهم مسلمان، پدرم مسلمان، مادرم مسلمان و عیال هم مسلمان است... این آقا به تحریک یک جاهلانی می خواهد در اینجا مرا بی ایمان و بی عقیده معرفی کند تا بعد مرا بکشند و قاتل را بگویند که از روی تعصب اقدام به این کار کرد... دادستان باید ادله و براین اقامه کنند نه نسبت بی ایمانی بدهد".

رئیس دادگاه گفت: "این دادگاه به اینها مرا علیحضرت همایونی موظف به حفظ جان شما است. یقین بدانید در اینجا هیچ گونه خطری متوجه جان شما نیست مگر این که اجل خدائی برسد". دکتر مصدق گفت: "آخرا جل هم یک جور می آید که آدم نمی فهمد".

دکتر مصدق در جلسه چهاردهم خطاب به رئیس دادگاه گفت: "وکیل عموم حق ندارد به متهم توهین کند، با متهم باید روی قانون رفتار کرد". یک یار نیز با حالت عصبانی خطاب به دادستان گفت: "تومرخص نیستی این حرف ها را اینجا بزنی، وظیفه تو اینست که در حدود قانون حرف بزنی، فهمیدی؟ به تومی گویم در حدود قانون صحبت کن".

دکتر مصدق مسلمان "در این ایراد محق بود و رئیس دادگاه نیز باطن "به اوقتی می داد و یک بار هم به دادستان تذکر داد که درباره مذهب اظهاراتی نکند ولی به دلیل که بودنی خواست یا نمی توانست از اظهارات دادستان در مواردی که بطور واضح مخالف با نزاکت و آداب و رسوم معقول دادگاه می بود جلوگیری کند.

نواد روحانی

۵۱

مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

محاكمه دکتر مصدق در دادگاه نظامی

اینک در پایان این قسمت ما فهرستی از بعضی از عباراتی که دادستان آن ها را به دفعات چاشنی بیانات خود در توضیح کبیر خواست می نمود ذکر می کنیم و یادآور می شویم که اظهارات توهین آمیز دادستان منحصر به فقرات زیر نبوده است:

"اود دشمن مردم ایران، مایه ننگ ایران، با عث ریختن آبروی ملت ایران نزد بیگانگان است، پیرو فریضه ما تریالیستی یعنی ماده پرستی است، ما مور تعطیل ووقفه سپرنهضت مبارزه خداستعمار است، روزی که جان خود را در خطر دید ما نندرو با به سو راخی بناه برد تا ما با مردان آزاده خون کشیش را بریزند، عادت و برای جلب مراحم دیگران از ادت ورزی و غلام بچی بوده است کما اینکه غلام بچه در بارهای قاچاریه بود، او با وجدانی تا زیک تحریک به نقاق و کینه توزی می کند، شبکار، مستعدی، خاش، یاغی، سنگدل، خطرناک، خودخواه، بازیگر، افسون ساز، سفاک، قاتون شکن، عوام فریب، جسور، گستاخ، وقیح، مالیخولیا شئی، عنود، سرکش، طبل میان تپش، سالوس و ریاکار است، روش او روش فرعون و دیکتاتور می مطلق است، او با عث غفلت و خوابی ایرانیان شده و فروری را ازین برده است".

واضح است که دادستان با آنکه کرارا "اظهارات رعاقه به حفظ آبروی ایران در انتظار بیگانگان می کرد خود به این نکته توجه نداشت که روش او در یکا بر بردن چنین عبارات زشت و مستهجن نسبت به شخص متهم در چنین جریان با زبیری و داداری بیش از هر چیز موجب هتک حیثیت و آبروی سا زمان دادگستری ایران در نظر مردم کشورها می متدمن خواهد بود. در این زمینه ا فاه می کنیم که دکتر مصدق در بیست و ششمین جلسه داداری عکس العمل شدیدی نسبت به روش دادستان نشان داد. به این معنی که خطاب به رئیس دادگاه گفت: "ایشان آنچه را که خواسته اند به من نسبت داده اند... من جواب عرض می کنم تا اگر به من که نخست وزیر یک مملکتی بوده ام توهین می شود لااقل به ملت ایران که من منتخب آن ملت بوده ام توهین نشود. زیرا این شایسته یک ملتی نیست که یک نفری مثل من را نخست وزیر خودش بکند و بعد این مرد اشاره به دادستان) به او توهین کند. این توهینی است که این مرد به ملت ایران می کند".

شرح وقایع روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۳۲

در سراسر جریان با زبیری و داداری از طرفی دکتر مصدق می گوید تا دانه مننه بحث را به همه گونه مسائسل و موضوع ها می که به اثبات حقانیت خود مربوط می دانست بکشا ندوا ز طرف دیگر دادستان و رئیس دادگاه کرا را "با ایراد به" خارج شدن از موضوع" رشته سخن دکتر مصدق را قطع می کردند.

سر هگ بزرگمهر می نویسد: "دکتر مصدق با رهادر زندان به من گفت خدا را شکر می کنیم که این محاکمه فراموش شد تا بتوانم حقایق را بگوش ملت ایسران برسانم" (۱) دادگاه با آگاهی به این قصد دکتر مصدق تصمیم داشت که او و جنین فرصتی بدست نیا و رد و بنا بر این مرتباً تذکری داد که موضوع بحث فقط وقایع روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد است ولی با این حال دکتر مصدق در خلال توضیحات خود به بسیاری نکات درباره جریان ملی کردن نفت، مبارزات دولت خود با استعمار، توطئه های که بمنظور برانداختن حکومت او صورت می گرفت، و اشکالاتی که با آن مواجه بود اشاره می کرد. در جلسه نوزدهم رئیس خطاب به دکتر مصدق گفت: "فقط در اطراف موضوع صحبت کنید و به سوابق و حکایات که مربوط به دادگاه نیست نپردازید... خواهی می کنم فقط از روز ۲۵ تا ۲۸ مرداد... هر قدر می خواهید سخن بدهید... دادگاه فقط درباره ۲۵ تا ۲۸ مرداد قضات می کند و حتی به روز ۲۴ مرداد هم کاری ندارد... مطلقا" رسیدگی به وقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد مربوط به کارما است... حتی اگر بخواهد از صبح ۲۴ مرداد ما هم صحبت نکنید بنده همین تذکرا خواهم داد. شما فقط از ساعت ۱ صبح ۲۵ مرداد تا روز ۲۸ مرداد صحبت بفرمائید.

دکتر مصدق گفت ایشان (دادستان) به من آنها ماتی زدند که جزو ۲۵ تا ۲۸ مرداد می شود و بنده باید جواب بدهم. رئیس پاسخ داد دادگاه روی آن آنها ماتب قضاوت نخواهد کرد. دکتر مصدق گفت: اما مردم قضاوت خواهند کرد. دادگاه نسبت به همین بیان دکتر مصدق

حسابیت مخصوص نشان می داد چون نمی خواست به هیچ عنوان روی سخن دکتر مصدق با مردم باشد حتی ظاهر ا دولت ترتیبی فراموش کرده بود که افرادی از تماشاگران در فرصت های مناسب نسبت به دکتر مصدق اظهارات زجر بار کنند. از جمله وقتی در جلسه هفدهم دکتر مصدق ضمن توضیح اقدام مردم به شین کشیدن مجسمه رضا شاه گفت: "شاه فقید را انگلیسی ها آوردند" یکی از تماشاگران که در ردیف اول نشسته بود خطاب به او گفت: "خفه شو" و دیگری گفت: "باید دشمنان شاهش هانا بود شوند". این پیش آمد به دادستان فرصتی داد (و نظیر این فرصت با رها پیش آمد) که تهدید کند که دکتر مصدق به این رویه خود ادامه دهد... تقاضای سری شدن جلسه دادگاه را خواهی کرد. در نوزدهمین جلسه داداری گفت: "هرگاه آقای دکتر مصدق قصد نما بیند که ضمن دفاع او را رد میا حتی شوند که برخلاف انتظام و ممالح کشور با شدا بینجا نب طبق

قانون درخواست سری بودن داداری را خواهم نمود". ولی وضع عمومی و توجه جها نی به جریان محاکمه دکتر مصدق اجازه سری نمودن جلسات داداری را نمی داد و با نتیجه دکتر مصدق تا اندازه ای توانست آنچه را که می خواست به گوش مردم برساند. ضمن جواب ها شئی که به سئوالات رئیس دادگاه می داد اظهار رکند. اینجا یک قسمت از اظهارات دکتر مصدق را که در واقع شاه بیست دفاعی تیش بود نقل می کنیم. وی در جلسه چهارم داداری که موضوع ملاحیت دادگاه مطرح بود چنین گفت: "من خود می دانم که یک گناه بیشترا دارم و آن اینست که تسلیم تمام بیلات خارجی ها نشده و دست آنها را از منابع ثروت ملی کوتاه کرده و در تمام مدت زما مداری خود از لحاظ سیاست داخلی و خارجی فقط یک هدف داشتم و آن این بود که ملت ایران بر مقتدرات خود مسلط شود و هیچ عاملی جز آزاده ملت در تعیین سرنوشت مملکت دخالت نکند. پس ازینجا ه سال مطالعه و تجربه به این نتیجه رسیدم که جز آتء مین آزادی و استقلال کامل ممکن نیست که ملت ایران بر مشکلات و مواضع بشمارد که در راه سعادت و عظمت خود راه غلبه کند و برای نیل به این منظور تا آنجا که توانا کنم کوشیدم... بیش از یک قرن سیاست های مخرب و مهلک خارجی در مقدرات وطن عزیز ما تا شیر خارق العاده داشت و ما و تمام جریان سیاسی و اقتصادی مملکت را تحت تاء شیری گرفت مخصوصا "نفوذ سیاسی و اقتصادی امپراتوری انگلیس و حکمرانی آشکار و پنهان شرکت سابق نفت جنوب که در مدت نیم قرن امکان تجدید حیات و فعالیت بخشید و راه آزما سلب کرده بود مقتضیات سیاسی دنیا و عشق و علاقه ای که عموم افراد و طبقات مملکت به ما زده با این سرطان مهلک و طرز این سیاست استعمار را داشتند به من و دوستانم فرصت داد تا با استمداد زهمت بلسند و راه محکم هموطنان در قطع نفوذ این سیاست مخرب قیا مکنیم... جنبش مردانه ملت ایران با به استعمار را در سراسر خار میانه متزلزل کرده است و مردم این مملکت را در انتظار جها نیان حیثیت و آبرو بخشیده است... طمیان دارم که هیچ قدرتی نمی تواند دانه نهضت و جنبش مقدس ملی ایران را محدود کند".

دربار ایران اظهارات رئیس دادگاه گفت این مطالب مربوط به صلاحیت نیست و دادستان ضمن حملات شخصی به دکتر مصدق گفت: "این شخص نه عقیده به مذهب اسلام دارد و نه به غرور ملی ایران و ایرانی واقعی می گذارد... این گریه عابد... مسلمان نیست... اما بیبیبی است که اینگونه گریزهای "انحرافی" کوتاه بود چون دادگاه هر با ریختن امرانه به موضوع وقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد بر می گرداند. بنا بر این ما بدوا" شرح وقایع روزهای مورد گفتگورا آنگونه که از جریان با زبیری و داداری دقیقا "معلوم گردید نقل می کنیم و بعد چگونگی آنها م و دفاعیات مربوط به آن ها و نتیجه گیری از آن ها را توضیح می دهیم.

۱ - مصدق در محکمه نظامی (جلد دوم صفحه پنج مقدمه)

شطرنج و نرد

بقیه از صفحه ۶

تاریخی است و هنوز به درستی نمی دانیم که آیا وی وجود واقعی تاریخی داشته است یا نه. پیارهای محققان او را با برزویه، طبیب، پزشکی که کلیله و دمنه را از هند به ایران آورد یکی دانسته اند. اما این حدس نیز ما شب و محقق نیست. بزرگمهر در شاهنامه فردوسی داستان های شگفت انگیز و شیرین است که بعضی از این دست مایه افسانه سازان شده است. بعضی از این داستان ها را در فرصتی مناسب، در گفتارهای بصدی با خوانندگان گرامی در میان خواهیم گذاشت و شکل نخستین آن را با صورتی که در افسانه های بعدی یافته است خواهیم سنجید.

داستان شطرنج و نرد در شاهنامه قدیم ترین اطلاعی است که درباره "این دوبازی در ادب فارسی وجود دارد. اما قدمت داستان نهاروزگ را فردوسی که ز طبع اسلام نیز فرا ترمی رود. اصل این داستان در آثار زبانمانده از زبان پهلوی در سده های به نام "ما تیکان شترنگ" نیز وجود دارد. در نتیجه می توان گفت که اصل داستان نیز از قدیم تر از عصر خسرو نوشیروان نباشد جدید تر از آن نیست.

* تخت شطرنج به معنی تخته شطرنج است و مراد از آن همان صفحه ای است که در ای ۶۴ خانه سفید و سیاه (۸x۸) است و بر روی آن شطرنج بازی می کنند. این کلمه بارها در این داستان تکرار می شود و همه جا به همین معنی آمده است.

* ساج یا ساک، درختی است زیبا از تیره شاه پسند. چوب این درخت بسیار مرغوب و مقوم است و در ساج ختمان کشتی ها به کار می رود.

اولین کمک ریگان به خمینی

روزنامه‌ها تا میزماچاپ لندن زیر عنوان "اولین بار که ریگان به خمینی کمک کرد" می‌نویسد: در یک بعد از ظهر گرم خردادماه ۱۳۶۱، یک دیپلمات تنومند روسی توموییل خود را در مرکز شهر تهران پارک می‌کند و نا پدید می‌شود. یک ساعت بعد در گرملین زنگی خطر به صدا درمی‌آید و امروز، این واقعه، که در آن دوران توجهی بدان نشد، بسیار دیگر مطرح شده است تا با مسئله معاملات اسلحه ریگان با رژیم خمینی را سنگین تر سازد.

این دیپلمات که ولادیمیر کوزیچکین نام دارد، در آن زمان ۳۵ ساله و یکساز ردا ر سفارت شوروی در تهران بود. او از اعضای برجسته بخش "اس" در سازمان اطلاعات شوروی، "کا.گ.ب" و سرپرست "سپا" بود. موران و همکاران شوروی در ایران بود که بعضی اعضای حزب توده، حزب کمونیست ایران نیز در میان آن‌ها بودند.

کوزیچکین از ایران به انگلستان فرار می‌کند و در آنجا پرونده‌های حاوی نام و مشخصات تمامی شبکه‌های سوسی.کا.گ.ب در ایران را به مقامات ضدجاسوسی انگلستان تسلیم می‌کند.

سازمان ضدجاسوسی انگلستان پس از با زجوشی‌های مکرر از کوزیچکین در یک خانه روستایی درسکس، که ما هم‌اکنون به طول می‌انجامد، به او اجازه می‌دهد که به آمریکا برود و مورد با زجوشی "سیا" قرار گیرد. پرونده‌های سازمان "کا.گ.ب" در ایران به سیا نیز داده می‌شود. بنا به گزارش‌های واشنگتن، پس از مدت کوتاهی بنا بر تصمیم مشترک سازمان سیا و سازمان ضدجاسوسی انگلستان، این پرونده به مقامات جمهوری اسلامی تسلیم می‌شود. عملیات دستگیری در ایران به سرعت آغاز می‌شود. گفته می‌شود حدود ۲۰۰ مأمور جاسوسی اعدام می‌شوند و ۱۸ دیپلمات شوروی از تهران اخراج می‌گردند. شبکه "کا.گ.ب" در ایران از هم می‌گسند.

اکنون که ریگان بر سرماچرای معامله اسلحه برای آزادسازی گروگان‌ها مورد

انتقادهای روزافزون قرار گرفته است، ما برای کوزیچکین نیز زنوندرماچاپ فل دولتی واشنگتن مطرح شده است. چرا که نشان می‌دهد که آمریکا از سال‌ها پیش با رژیم خمینی دادوستدهای پشت‌پرده داشته است.

به گفته مسئولان دولتی آمریکا، این یکی از جمله اقداماتی است که برای بدست آوردن دل مقامات جمهوری اسلامی وکاستن از تاثیر شوروی در کشوری که با شوروی هم‌مرز است و برای غسربارزش استراتژیک مهمی دارد، صورت گرفته است.

کوزیچکین پیش از آنکه به انگلستان فرار کند مدت ۵ سال در ایران کسار کرده بود. او سرپرست مأموران "نفوذی" کا.گ.ب بود. یعنی آن دسته از

اتباع شوروی که برای کسار در زیر پوشش‌های دیگر و با نام‌های جعلی تربیت شده اند تا در نقاط کلیدی حکومت‌ها و صنایع دفاعی کشورها نفوذ کنند و در ایران، مأموران سطح پایین خود را از میان ایرانی‌ها انتخاب می‌کنند. کوزیچکین به سراسر ایران سفر کرده با گروه‌های عشائری و ایلات روابطی برقرار کرده بود.

مسلم است که او جاسوس دو جانبه‌ای بوده است که بیشتر برای انگلستان کار می‌کرده است. و در نتیجه پناهنده شدنش به انگلستان لازم بوده است چرا که در غیر این صورت جانش بخطر می‌افتاد.

تایمز لندن - ۲۱ نوامبر ۸۶

مشتی از خروار

هفته‌ها مه‌دفاعی جینز چاپ لندن، در شماره "تا زه" خود نوشت: سلاح‌هایی که جمهوری اسلامی از آمریکا خریده است، تنها مشتیی از خروار و گوشه‌ای از سلاح‌هایی است که رژیم تهران بطور پنهانی از دیگر

کشورها و بازارهای بین‌المللی خریده است.

به نوشته هفته‌نامه "جینز" در ۲ سال گذشته طی مذاکرات محرمانه جمهوری اسلامی میلپاردها دلار صرف خرید موشک، هواپیما، تانک و قطعات یدکی از شرکت‌های اروپایی، اسرائیلی، کشورهای شرقی و آمریکای جنوبی کرده است.

جینز می‌نویسد: جمهوری اسلامی مقادیر معتدنی بهی اسلحه از کشورهای کره شمالی، چین، برزیل، سوریه، آرژانتین، لیبی، بلژیک، ترکیه و اسرائیل خریده است که از طریق ترکیه بنا در چین و کره شمالی و سوریه به ایران رسیده است.

بر اساس این گزارش، جمهوری اسلامی حتی تانک‌ها و قطعات توپخانه خود را که دو سال پیش به جنگ عراق دادند تا به خود بدهد با صرف مبلغ هنگفتی از بازار سیاه اسلحه بین‌المللی با خریده است. واسطه‌های این کارچندتن عرب و سوئیسی بوده اند و جمهوری اسلامی برای با خریده سلاح‌های خود از عراقی‌ها صد میلیون دلار پرداخت کرده است.

چین کمونیست هم به جمهوری اسلامی وهم به عراق اسلحه فروخته است. چین از آغاز جنگ تا سه سال پیش معادل ۱/۵ میلیارد دلار اسلحه به عراق داده است و سال گذشته قرار دادی به ارزش ۱/۶ میلیارد دلار با رژیم تهران امضاء کرد که بر اساس آن قرار است ۵ هواپیمای شکاری ژ-۷ که نوع چینی هواپیمای میگ-۱۲ است به همراه تانک و موشک زمین به هوا پشه جمهوری اسلامی بفروشد. تا بحال حدود ۲۰ شکاری چینی از طریق پاکستان به جمهوری اسلامی تحویل داده شده است.

رژیم خمینی تعداد زیادی موشک ضد تانک آمریکا نیز از قاچاقچیان اسلحه و از طریق کشورهای اروپایی خریداری کرده است. بهای هر یک از این موشک‌ها بطور عادی معادل ۶ هزار دلار است اما جمهوری اسلامی برای خرید هر یک از آنها ۱۶ هزار دلار پول داده است.

هفته‌نامه دفاعی جینز، همچنین می‌نویسد: که دولت کمونیستی ویتنام، در تیرماه سال یک قرار داد ۴۰۰ میلیون دلاری با جمهوری اسلامی امضاء کرده است که بر اساس آن قرار است ۸۰ تانک - ۱۲ شکاری اف-۵ و مقادیر زیادی مهمات و قطعات یدکی را که آمریکا طی جنگ ویتنام در آن کشور بجای گذاشتند به جمهوری اسلامی تحویل دهد.

نقض قوانین

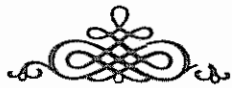
پس از آن که در آمریکا فاش شد و جوده حاصل از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی، صرف کمک به شورشیان نیکارا گشته شده است، بسیاری از نمایندگان کنگره آمریکا اعلام کردند که در این میان قوانین آمریکا زیر پا گذاشته شده است.

وزارت دادگستری آمریکا بدستور رونالد ریگان، رئیس جمهوری آن کشور تحقیقاتی را آغاز کرده است تا معلوم شود حتماً لا کدام یک از قوانین آمریکا نقض گردیده است. این قوانین عبارتند از:

۱- قانون کنترل صادرات، بر اساس این قانون، فروش کالا به هر کشور ممنوع است.

۲- قانون کنترل صادرات جنگ افزار، بر اساس این قانون، هرگونه صادرات جنگ افزار که ارزش آن از ۱۴ میلیون دلار تجاوز کند باید با اطلاع کنگره انجام گیرد.

۳- قانون امنیت ملی که از سال ۱۹۴۷ میلادی تا ظریف رعایت‌های سازمان "سیا" است. بر اساس این قانون، کلیه عملیات مخفی سازمان "سیا" باید قبلاً به اطلاع کنگره برسد، چنانچه دولت از نظر رعایت مصالح امنیتی نتواند این قانون را رعایت کند موظف است ظرف فرصتی معقول موضوع عملیات را به اطلاع کنگره برساند.



اتباع آمریکایی در لبنان دست دارد. وی افزود: من مایل نیستم سخنی بر خلاف گفته‌های رئیس جمهور بگویم، اما بنظر من، همواره نشانه‌هایی از ارتباط جمهوری اسلامی با تروریسم وجود دارد.

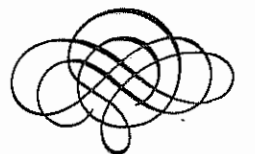
اعتراض رؤسای جمهوری

رؤسای جمهوری پیشین ایالات متحده آمریکا، جرالدفورد و جیمی کارتر، ریگان را بخاطر معامله پنهانی با جمهوری اسلامی قاطعانه مورد انتقاد قرار دادند.

جرالدفورد و جیمی کارتر که متفقاً "ریاست کنفرانس بین‌المللی دموکراسی را بر عهده دارند در مصاحبه‌ای

با شبکه تلویزیونی ان.بی.سی ضمن اعتراض شدید به رئیس جمهوری کنونی آمریکا اظهار داشتند که تحویل سلاح به رژیم جمهوری اسلامی به مثابه پرداخت باج برای آزادی گروگان‌ها بشمار می‌رود.

جرالدفورد اضافه کرد که با اینکار خود، ریگان حیثیت و اعتبار ایالات متحده آمریکا را نزد اروپائیان و کشورهای عرب دوست خدشه دار کرده است.



پشتیبان تروریسم

جان وایت‌هد معاون وزارت امور خارجه آمریکا تا بیاید کرد که وزارت خارجه آمریکا در تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی کوچکترین نقشی ایفا نکرده است.

وی که در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا سخن می‌گفت عملاً مخالفت وزارت خارجه را نهی متبوعش را با فروش اسلحه به جمهوری اسلامی که از سوی کاخ سفید تصمیم گیری شده بود اعلام داشت.

وی گفت: وزارت خارجه آمریکا هنوز هیچگونه تصویر روشنی از آنچه در این زمینه به وقوع پیوسته است ندارد.

وایت‌هد گفت اعمال شورای امنیت ملی باید مجدداً مورد بررسی قرار گیرد. و ما در وزارت امور خارجه، همواره با اقدامات این شورا دچار مسئله می‌شویم. وی درباره‌ی وزیر خارجه آمریکا گفت: در آغاز جورج شولتز در بسیاری خط مشی‌های سیاسی مشورت می‌شد، اما پس از آن شولتز را به صورتی بریده بریده از مسائل آگاه می‌کردند و سخنی از جزئیات نبود.

وایت‌هد مسئله‌ی بهبود روابط آمریکا با جمهوری اسلامی را مورد بحث قرار داد و گفت این رژیم همواره از تروریسم پشتیبانی کرده است. و در گروگان‌گیری

عامل خرابکاری

روزنامه حریت چاپ ترکیه اظهارات "علی کنت" عامل جمهوری اسلامی را که قصد خرابکاری در این کشور داشته است، انتشار داده است.

به نوشته حریت، علی کنت که بیست سال پیش از ایران به ترکیه رفته و تا بیست این کشور را پذیرفته است، مسئول خرابکاری خارجی در اردیو تلویزیون این کشور بود.

وی در دادگاه اعتراف کرد که قصد داشته است با کمک جمهوری اسلامی و سازمان جهاد اسلامی ترکیه را به جنگ مذهبی شیعه و سنی بکشد. علی کنت که در دادگاه از ایران با عبارت "کشور من" یاد می‌کرد، گفت به لحاظ آنکه سیواس از نظر مذهبی محیط مساعدی برای فعالیت‌های ما بود، این شهر را بعنوان مرکز فعالیت انتخاب کردیم.

روزنامه حریت نوشته است: علی کنت را به واسطه و معاون اول یک جاسوس سوری بنام عامری بود. علی کنت از طرح‌هایی که قرار بود توسط جمهوری اسلامی و جهاد اسلامی در ترکیه به مرحله اجرا درآید، اطلاعات دقیقی به مأموران امنیتی ترکیه داده است. وی در جریان با زجوشی‌ها اظهار داشته است: من مأمور ارتباط بودم. قرار بود که از

تلفن خبری
نهضت مقاومت ملی ایران - لندن
شماره ۲۲۱۰۶۶۸

حکومت شیطان

و حکومت رحمانی!

بقیه از صفحه ۱

درین چند هفته، بعد از افشای روابط پنهان و واشنگتن - تهران، دودولتست مجبور شدند راجع به این قضیه توضیح بدهند. یکی دولت آمریکا بود، یعنی دولتی که آیت الله خمینی آن را مظهر خیانت شیطان معرفی می کند و یکی هم جمهوری اسلامی.

در آمریکا، کسانی که بنحوی در جریان وقایع قرار داشتند، از رئیس جمهوری گرفته تا مشاوران وی، یکی بعد از دیگری در مقابل مردم ظاهر شدند و آنچه را گفتنی بود گفتند و دلایل خودشان را برای کارهایی که کرده بودند بر شمرند. برخی گفتند کاری که شده درست بوده است، برخی گفتند اشتباه بوده است و بهر حال مسئولیت آن را پذیرفتند.

این مال دولت، اما بشنویم از مردم و مطبوعات و مجلس.

با وجود آنکه رئیس جمهوری و مشاوران او چیزی را مخفی نگذاشته اند، مردم آمریکا هنوز توضیحات بیشتری می خواهند. در نتیجه، کنگره آمریکا تحقیقات وسیعی را آغاز کرده است که ببیند آیا رئیس جمهوری و همکارانش در جریان این ارتباطات محرمانه مضمون "ارسال اسلحه به ایران، از حدود قانون خارج شده اند یا اینکه در محدوده اختیارشان عمل کرده اند. در همین حال، مطبوعات آمریکا هر روز مطالب تازه تری کشف می کنند و گزارش می دهند و اکنون هر فرد ساده آمریکا می تواند اطلاعات دقیقی از روزساعت و چگونگی تماسها و نقلیه و واسطه ها و میزان و نوع سلاحهایی که از طریق اسرائیل به ایران حمل شده است در اختیار دارد.

حال ببینیم در آن سمت دیگر، یعنی در رژیم فقها، در حکومتی که قانون خود را قانون قرار داده و هدف خود را ترویج احکام و اخلاق اسلامی معرفی می کند، راجع به همین مسأله چه توضیح می دهند.

سرخ ارتباط با آمریکا را در جمهوری اسلامی حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع و امام جمعه موقت تهران بدست داشته است. بنا بر این کسی که می باید و می تواند راجع به این مسأله توضیح بدهد حجت الاسلام رفسنجانی است. اگر در رژیم آیت الله حداقل اصول اخلاقی رعایت می شد و این گروه عمده سیاه و عمده سفید در زور و پهنی که به نام اسلام حکومت می کنند بنای کارشان یکسره بر دروغ و ریا استوار نمی بود این طور مثل روبا به دشمن در تله گیر نمی کرد. اما چون دروغ را پایه کارشان قرار داده اند برای اینکه یک دروغ را قابل هضم کنند مجبورند دروغ بزرگتری چاشنی آن بزنند.

آقای رفسنجانی می تواند در کمال سهولت به مردم ایران توضیح بدهد که بلی، مادر حال جنگ هستیم و به اسلحه احتیاج داریم و چون درین چند سال برای بدست آوردن سلاحهای آمریکا از بازار سیاه هزار جوره کلاه سرمان رفت و بیشترین بها را پرداختیم و در مقابل سلاحهای فرسوده و گاهی آهن یا ره تحویل گرفتیم، آخرش به این نتیجه رسیدیم که بهتر است مستقیماً با آمریکا بیاییم و اسلحه بخریم.

در دنیای امروز، با این همه وسائل ارتباطی که هست نمی شود چیزی را که مردم پنج قاره فهمیده اند از ملت پنهان کرد ولی رژیم آخوندها این را نمی فهمد و چنان درگنداب دروغگوئی و ریاکاری غرق شده است که نمی تواند حتی بمصلحت خودش یک کلمه حرف راست بزند. نتیجه اینکه آقای رفسنجانی، در حالی که لباس زهد و تقوی، لباس تقدس و روحانیت در بر دارد، برای اینکه قضیه ارتباط با آمریکا را مستمالی کند،

مرگ بر آمریکا



ساعت ها چشم در چشم مردم دروغ بهیم می بافد و دروغ های او در دنیا منعکس می شود و اهل عالم مات و میبوت میشوند که مگر ممکن است یک روحانی اینطور بیشترمانه دروغ بگوید و یک حکومت مذهبی که آیت الهی در رأس آن واقع است در مقام نیرنگ بازی و جعل و تزویر تا این درجه گستاخ باشد؟

حجت الاسلام رفسنجانی می گوید در جواب ژاپنی ها، ما گفتیم که با ورنمی کنیم در لبنان گروهان آمریکا می وجود داشته باشد. این ادعای آمریکا می است و در صورتی که ادعای آن ها صحت داشته باشد خودشان گروهان گیری را ترتیب داده اند! بعد از مدتی که ما نوشتیم و نام نوشتند و نوشتیم و گفت و گو کردیم آن وقت ما یواش یواش فهمیدیم که در لبنان گروهان هست. تا آن وقت واقعاً نمی دانستیم! ... با زبیا و برو و بگو و بشنو، تا یک روز خبر دادند که به وسیله هواپیما بی که برای ما اسلحه آورده بود پنج نفر با لباس خدمه هواپیما و گذرنامه های مجعول ایرلندی وارد تهران شده اند و می گویند ما آمریکا می هستیم و از طرف آقای ریگان پیغام آورده ایم. ما سه ساعت و نیم آن ها را در فرودگاه معطل کردیم و با دوستانمان جلسه تشکیل دادیم و مسأله را به عرض حضرت امام رساندیم و

امام فرمودند با اینها مذاکره نشود، بیامشان راهم نگیرید. آن ها را به هتل منتقل کردیم و در هتل یکی از آنها گفت که مک فارلین است و یکی دونه دیگر هم از مشاوران آقای ریگان هستند. با سپورت های آن ها را گرفتیم. عکس درست است. یعنی قیافه به قیافه مک فارلین می آید و ممکن است همان باشد. البته ما هنوز مطمئن نیستیم که صد درصد آنها باشند چون کسی درست با آنها صحبت نکرد که بفهمد این ها واقعا همان ها هستند یا نه!!

این خلاصه داستان است که حجت الاسلام والمسلمین، رئیس مجلس شورای اسلامی از ماجرای تماس های محرمانه با آمریکا و سفر مک فارلین به تهران سرهم بافته و تحویل امت اسلام داده است. آقای رفسنجانی وجود گروهان آمریکا را در لبنان با ورنمی کند، وساطت اسرائیل را بین واشنگتن و تهران با ورنمی کند، هویت مک فارلین را با ورنمی کند و لی انتظار دارد امت اسلام داستان فکا می او را با ورنکند!

در مطبوعات جمهوری اسلامی، جزمین مهملائی که سرکردگان رژیم تحویل داده اند خبر دیگری دیده نمیشود و هنگامی که تندی چند نمایندگان مجلس بخود جرات می دهند و از وزیر خارجه دعوت می کنند توضیحات بیشتری راجع به این ارتباطات پنهان در اختیار مجلس بگذارند حضرت امام تشریح زندگانه این فضولی ها به مجلس نرسیده است. و کلا سئوالشان را بی می گیرند و رئیس مجلس می گوید اکثریت نمایندگان نامنهائی نوشته اند و خواسته اند به عرض امام برسانیم فضولی معدودی و کیل وظیفه شناس آن ها را شرمند کرده است و استدعای عفو دارند!

این حکومت رحمانی است و آن حکومت شیطان است. این طرز حکومت کردن فقهاء و علمای اسلام است که آیه های متعدده قرآن مجید را در باره عذاب دروغگوئی و فریبکاران مکرر خوانده اند و آن طرز حکومت کردن در کشوری که به قول این بزرگواران فساد سراپایش را گرفته و از اخلاق انسانی اثری در آن باقی نمانده است!

قا در به پذیرش بیما را مطابق با ظرفیت خود نیستند. به عنوان مثال بیما رستان کودکان در تهران که با تصدخت دارد، نمی تواند بیش از شصت بیما را بپذیرد. این امر باعث درگیری روزمره مردم با پزشکان و کارکنان بیمارستان ها میگردد. عوا مل رژیم با خصومت آشکاری که با پزشکان و کارکنان رسته های پزشکی دارند، با احتکار دارو و ایجا دکمیبود مصنوعی بیشتر به این درگیری دا من می زند و می خواهد تا این طریق مردم را رودر روی پزشکان قرار دهند. از سوئی جنگ به دست رژیم بیما نهاده است که به عنوان نیاز "شکر با ن اسلام" وسایل جراحی و درمانی و دارو را کاملاً در اختیار بگیرند و از سوی دیگر آنها را به دست عاملان خود به زاریا رسیده لوازم پزشکی را زبیری کنند. بیما رستانهای خصوصی در بسیاری موارد ناچاراً زیستگن بیما می خواهند که خود وسایل لازم را از بازار رسیده خریداری کنند.

مستقل علیه فرودگا می که در اصفهان به اشغال پاسداران درآمده بود عمل کرد و آن را از جنگ پاسداران خارج ساخت. از آن زمان درگیری های پراکنده بین نیروهای ارتش و پاسداران ادامه دارد. افشای مسافرت مخفیانه مک فارلین به تهران و مذاکرات وی با مسئولان جمهوری اسلامی این اختلافات و درگیری هسارا تشدید کرده است.

کمبود وسایل درمانی

به گزارش منابع داخلی، درگیری رژیم با پزشکان و کمبود وسایل درمانی، بیما رستان های خصوصی را در معرض تعطیل قرار داده است. بیما رستان های خصوصی که با کمبود وسایل و تجهیزات درمانی مواجه اند،

به همین دلیل نیاز به وسایل یدکی بسیار افزایش یافته است و با توجه به کمبود آن بهای لوازم یدکی رسماً آور شده است.

از سوی دیگر کمبود نفت و بنزین و حتی گاز و برق همچنان ادامه دارد. بر اساس گزارشها، بسیاری از کشتیهای جمهوری اسلامی در شرکتی که زوت در بنادر جنوب متوقف مانده اند. بهای نفت در بازار سیاه به لیتری ۶ تومان رسیده و کوپن بنزین به مبلغ ۳۵۰ تومان خرید و فروش می شود که عملاً بهای بنزین را به لیتری ۱۴ تا ۱۵ تومان رسانده است. در استان های شمال کشور، آذربایجان و جنوب نفت و بنزین فوق العاده نایاب است.

به گزارش عناصر صرملی، از سه ماه پیش تا بحال درگیری های پراکنده بین سیاه پاسداران و نیروهای ارتش همچنان در اصفهان ادامه دارد. بر اساس آیین گزارش سه ماه پیش هوا نیروی بیست و

مشکل نفت و بنزین

تصفیه نا قس بنزین در پالایشگاه های جمهوری اسلامی باعث آلودگی هوا و خرابی سریع اتوموبیل ها می شود. عناصر صرملی از درون وزارت نفت جمهوری اسلامی گزارش دادند که به علت از کار افتادن تشکیلات تصفیه در پالایشگاه ها عملاً تصفیه بطور نا قس انجام می گیرد. به همین دلیل میزان سرب موجود در بنزین بسیار بیشتر از میزان استاندارد بین المللی است. این امر باعث سوزنیدن بنزین می شود. کارآئی آن را کم می کند و سرب بجای مانده در سرنسندرها اتوموبیل ها را به سرعت خراب می کند و سوختن آن باعث آلودگی هوا می شود.

به گفته عناصر صرملی در وزارت نفت، در حال حاضر به هیچ وجه روغن اتوموبیل در داخل کشور تولید نمی شود بلکه روغن های سوخته در پالایشگاه ها بطور نا قس تصفیه می شود و دوباره بدست مصرف کنندنده می رسد. این امر نیز خرابی و استهلاک اتوموبیل ها را بیشتر می کند.

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد

تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران - لندن شماره ۲۲۱۰۶۶۸

جزئیات نبود. وایت هد مسئله بهبود روابط آمریکا با جمهوری اسلامی را مورد بحث قرار داد و گفت این رژیم همواره از تروریسم پشتیبانی کرده است. و در گروگان گیری

